



هر آب باران که  
 و نیز می‌تواند آب باران که در آنجا است ملاقات کند نفس می‌شود  
 اگر در مکانی به اندازه آب قلیل جمع شود لازماً آن آب باران به آن می‌آید و آب قلیل ملاقات آن در آن  
 اگر آب باران به چیز متنجس برسد در تمام آن نود که آن آب است و نیز بدون اینکه چیزی  
 به مشروب یا چیزی را بریزد باشد  
 اگر آب باران فقط به ظاهر آن برسد و در آن نود که نود فقط ظاهر آن آب می‌شود

استیذان حکم  
 اما اینکه آب باران به بعضی  
 ملاقات با نجاست نجس نمی‌شود  
 به دلالت بعضی از روایات از جمله صحیح مسلم بن حاتم از امام صادق  
 است در روایتی که بول که نود آب باران به آن برخورد کرده و به الحراف  
 یا شیده می‌شود و پس به لباس کسی اصابت می‌کند آنکه فرود آید می‌نهد  
 اگر آب باران بیشتر از بول است همانا این روایت دلالت می‌کند بر  
 اینکه آب باران نجس نمی‌شود با اصابت کردن بول  
 دلیل اینکه آب باران با تفسیر او همان آگانه اش نجس می‌شود اطلاق  
 صحیح حرز است که در بیان حکم آب که نود است

۱۲ در آب باران شرط است که در حال باریدن باشد تا در این با قطع شدن دیگر آب باران بر آن صدف نمی‌کند  
 و آب قلیل بوره و حکم آب قلیل بر آن جاری خواهد شد  
 ۱۳ اما اگر آب قلیل باران به باران جاریه ملاقات کند نجس می‌شود به خاطر اینکه این آب رسیده در می‌شود پس  
 شامل می‌شود این آب را حکم آن تطهیر می‌شود و در مسند ۳ ص ۱۲

۱۴ اما اینکه آب باران به چیزی متنجس برسد آن چیزی  
 پاک می‌شود و به مشروب یا چیزی را بریزد سازد ندارد  
 روایتی که از کسی که از امام صادق نقل می‌کند که چیزی به  
 آب باران به آن برسد پاک می‌شود  
 این روایت دلالت می‌کند بر طهارت شیء به بعضی رسیدن  
 باران به آن  
 صحت بودن حد آن بافتن او مشهور است بر قبول برای اخبار  
 چیزیان می‌شود



مستند ۱۴ اما طبقه آب قلیل بعضی  
 رطوبت یا نجات نجس می شود  
 همه حروف است  
 و آن چیزی که از جنس آب است و در آن نجس می شود

۱۴ اما طبقه آب قلیل بعضی رطوبت یا نجات نجس می شود  
 همان دلیل است که در آن نجس می شود  
 اما در جنس مویز تراشیده سبب یک صفت است و در حروف مویز قلیل این است  
 ۱۵ حرف از افعال آگاهانه است بطول عرض ارتفاع مساوی با اوج باشد و در آن نجس است  
 ۱۶ حرف از افعال آگاهانه است بطول عرض ارتفاع مساوی با اوج و در آن نجس است

قول اول: مستند اصحاب بن جابر بیان مطلب دلالت می کند بر آنکه سوال در آن نجس است و در آن نجس است  
 آن را نجس می کند اما فرمودند که نجس آب نجس است؟ اما فرمودند که اوج و در آن نجس است  
 با این بیان در آنجا که در آن نجس است و در آن نجس است و در آن نجس است  
 و به خاطر احتیاط نجس است  
 طایفه در حد آن است و در حد آن است و در حد آن است  
 محدود و در حد آن است و در حد آن است و در حد آن است  
 ساقط می شود

قول دوم: معنی است ابدال بر آن این قول از حسن بن صالح توری از امام صادق علیه السلام است که آب در حد آن  
 به اندازه که نجس می کند آن را چیزی که نجس مقدار کم قدر است گفت اوج و در آن نجس است  
 در اوج و در آن نجس است با همان توضیح که در حد آن است  
 این روایت دارای معنی ضعیف است چون در وقت توری مابین نجس با بیان نجس روایت اول  
 بدون معارضه این همان است

۱۸۴ شرط است طهورت اعضا  
 در این مورد مشهور رفقاً غسل حصه در طهورت هم بر این مطلب است  
 مگر آنکه غسل جنابت قیاساً بر  
 حصه زراعه و حیوان صحیحه دلالت می کند بر آن  
 باید شستن شود  
 یا با خاک و آنکه نفس شدن اعضا  
 مستلزم نفس شدن آب وضو شود

تقریباً هر دلیل  
 داران اشکال است  
 اشکال در این دلیل اول: مکان است بنی احکام غسل وضو  
 فرق باشد  
 اشکال در این دلیل دوم: آنکه سایر حیوانات در بعضی احوالات  
 فرغ می کنند از آنکه غسل نمی شود مانند وضو و شستن در آب سرد  
 و یا فرغ می کنند از طهارت غسل بر آن جمع طهارت غسل است  
 بنا بر این اگر نفس بر این اعضا باعث نفس شدن آب شود  
 صحیح دلیل بر اعتبار طهارت اعضا و مجرد زراعه

۱۹۶ استعمال آب مانع  
 شرعی نماند باشد  
 این دلیل نام و قابل قبول است در جاهی که غسل فرغ می شود  
 به دلیل صحیح علی بن ابراهیم در موردی آب غسل بر همراه دارد و در حدیثی که در آن  
 آب غسل کند چهار ششلی شود آیا با آن غسل کند یا شستن کند آن فرمود باید شستن کند  
 و همین است اگر قصد وضو داشته باشد  
 این روایت دلالت می کند بر آنکه امر وضو به وسیله بر من از شستن رفع شده است و همین  
 است وضو صحیح باشد  
 نه به وسیله امر بر وضو  
 نه به وسیله طهارت و خلعت به خاطر آنکه در حق از میان رفته است

در واقع در مورد

۱۱. حقیقتی که عقل را از اهل کند غسل است در حدیثی است

۱۲. استصحابی علییه و متوسطه دیگر

۱۳. جناب

مطلب و توضیح بول  
 غلط  
 از خروج از ایدیه  
 با خواب

و طریقی است که مستند ببول هستند قبل از استبراء و حکم ببول است

مستند:

۱۱ اما در لیل انبیه و توضیح و صلح  
 امری است که بزرگتر شده است

استفاده می شود از صیغه زاره بر امام ابو امام صادق گفت چه چیزی وضو  
 را باطل می کند و در حدیث آن جناب که خارج می شود از اطراف این جهت  
 و از طرف پشت نیست که میان باشد از غلط بول منی با در خواب  
 عقل را از این می برد  
 علاوه بر این مطلب روایات زیادی داریم که میوه مطلب می باشد

۱۲ چرا وضو بوسیله چیزی که عقل  
 امری است که بعد قبول دارد منتهی است استغناء شود از غسل  
 را باطل می کند باطل می شود؟  
 صیغه ای که در حدیث

۱۳ اما مطالبان وضو و استصحابی استغناء می باشد  
 صیغه معاویه بن عمار است از امام صادق (ع) که  
 خون از ظاهر منیه عبور کند زنی وضو بگیرد و در حدیثی که در حدیث  
 را باطل وضو می خواند

۱۴ استغناء متوسطه اگر در منیه نفوذ کرده وضو بگیرد یا بعد از آن  
 روزی که غسل کند و بر این هر نماز وضو بگیرد

۱۵ کثیره به خون مستحاضه اگر در منیه نفوذ کند وضو کند بر آن هر نماز  
 غسل می کند و بر این نماز صحیح یک غسل

اما در استغناء کثیره می توان گفت که وضو واجب نیست بلکه فقط باید آبار غسل کند همان طور که مؤمنان وضو  
 به روشنی بر آن دلالت می کند



۱۱۲۸  
 اما مقتضای شرط فوراً آن این است که در این حالت است که بعد از آن حدیثی که در آن است  
 در همین کتاب بیان به لحاظ صحیح غیر مستقیم  
 اما مقتضای آن بیان به ظاهرش برسد فقط ظاهر آن یک است و چون حدیثی در همین کتاب بیان فقط بر  
 ظاهر حدیثی است

در احکام نکاحی ۹  
 برساندن عورت واجب است بر مرد در هر حالات عروسی را پیش از آنکه از او بپوشد و این  
 به دو قسم زوج است

۱۱ دلیل وجوب پوشش به خاطر آن است که اولاً لغویاً یعنی من ابعارهم و محققان و فقهایی  
 در لغوی عربی حقیقاً همان را گفته اند و در فقه حاشیای را گفته اند  
 بنا بر این گفته نباشد فقط در آن از خصوص علم زنا انبیا زنا گفته اند که در آن مورد از  
 حفظ فحش عیونت و شامل نگاه کردن هم میشود و به خاطر ضرورت قدرت است  
 بعضی اخبار را اما اصل آن گفته کسی که به جز از روی عیانت ایجاب دارد پس داخل شود در حدیث  
 مگر آنکه با این ضمیمه که گفته است در حدیث خصوصاً ذکر شده است  
 صحیح حرز از امام صادق علیه السلام گفته مردم عورت برادرش  
 است با این ضمیمه که عرض است نگاه کردن ملازم با عورت برساندن است و خصوصاً بر آن ملازم  
 به عورت مرد دیگر و چون دارد

۱۲ اما مقتضای بنیده با معنی قد شده به خاطر انصراف از آن غیر معنی چون غیر معنی مانند دیوانه درک و شور زارد  
 اما در وجوب عورت از کسانی که ذکر شد به دلیل آن که مؤخره و کسانی که آنها نیز به فحش حاشیای حافظان  
 گفته است به حدیثی که با کسانی که ما هم در حاشیای حدیث  
 (روایت گفته است)

و هم دلیل وجود ملازمه بین ظاهر بودن نزدیکی و عدم وجوب همه

مسئله ۹. شطرات بر غیره واجب است...

در احکام خاصه تخیلی

احکام خصوص تخیلی

۱- موضع بول فقط با آب و آب بارشستن پاک می شود و بعضی گفته اند با آب بارشستن پاک می شود

۲- اما موضع غائط با چیزی به نجاست و ازین بیرون پاک می شود

۳- آب استحباب و آب است یا آتش... شرط اول... شرط دوم... شرط سوم...  
 حیضه از  
 ۱- شرط دوم...  
 ۲- شرط سوم...  
 حیضه از

۱- حرام است رو به قبله بودن و...  
 ۲- شستن رو به قبله بودن در تخیلی

مسئله ۱۰: شستن رو به قبله بودن در تخیلی

۱- به هر دو رو از نمازین مانند صاحب حدیث که در جاه کراهت را نیز دیده اند

۲- مهم این است که آن مسلمانی که علماء معتقد نسبت به آن اتفاق نظر دارند

۳- آن اتفاق آها کسب می کنند به علم دست بردارند از مضموم رو رسیده است

۴- و الا این روایت ضعیف السند است مانند روایت هاشمی از امامیه زمان ما که

داخل شدی به دست رو به قبله و شستن رو به قبله شستن پس به جهت شرف یا غریب

بیشتر

۱- یاد آید سند ضعیف حسنه مانند مرفوعه محمد بن یحیی از امام صادق سوال شده

حدیثی که در فقه است لکن مرفوعه رو به قبله و شستن رو به قبله و رو به قبله به بار تخیلی نمی

سیاق این روایت در زمینه بر اطلاق املائی است

۱- نظر ضعیف به حکم به حکم طویل اشکال است بود از ضعیف بودن روایت و احتمال دارد

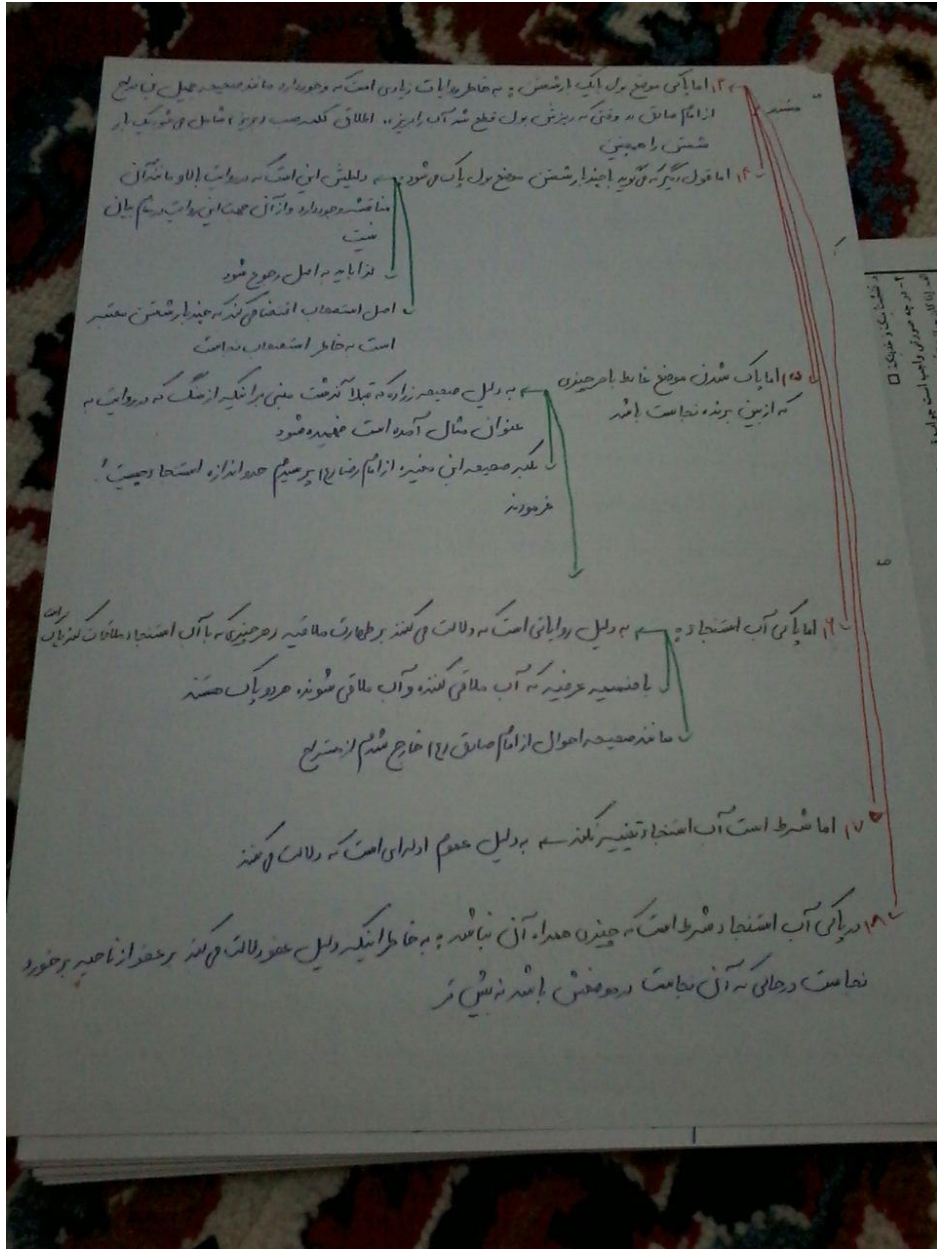
۲- اعتبار در به با همه اجماع فقهاء آن به این روایت ضعیف السند است

۳- اما موضع بول فقط با آب پاک می شود؛ به دلیل صیغه زبانه از امام اقران است دعای صحت طهارت و استحباب

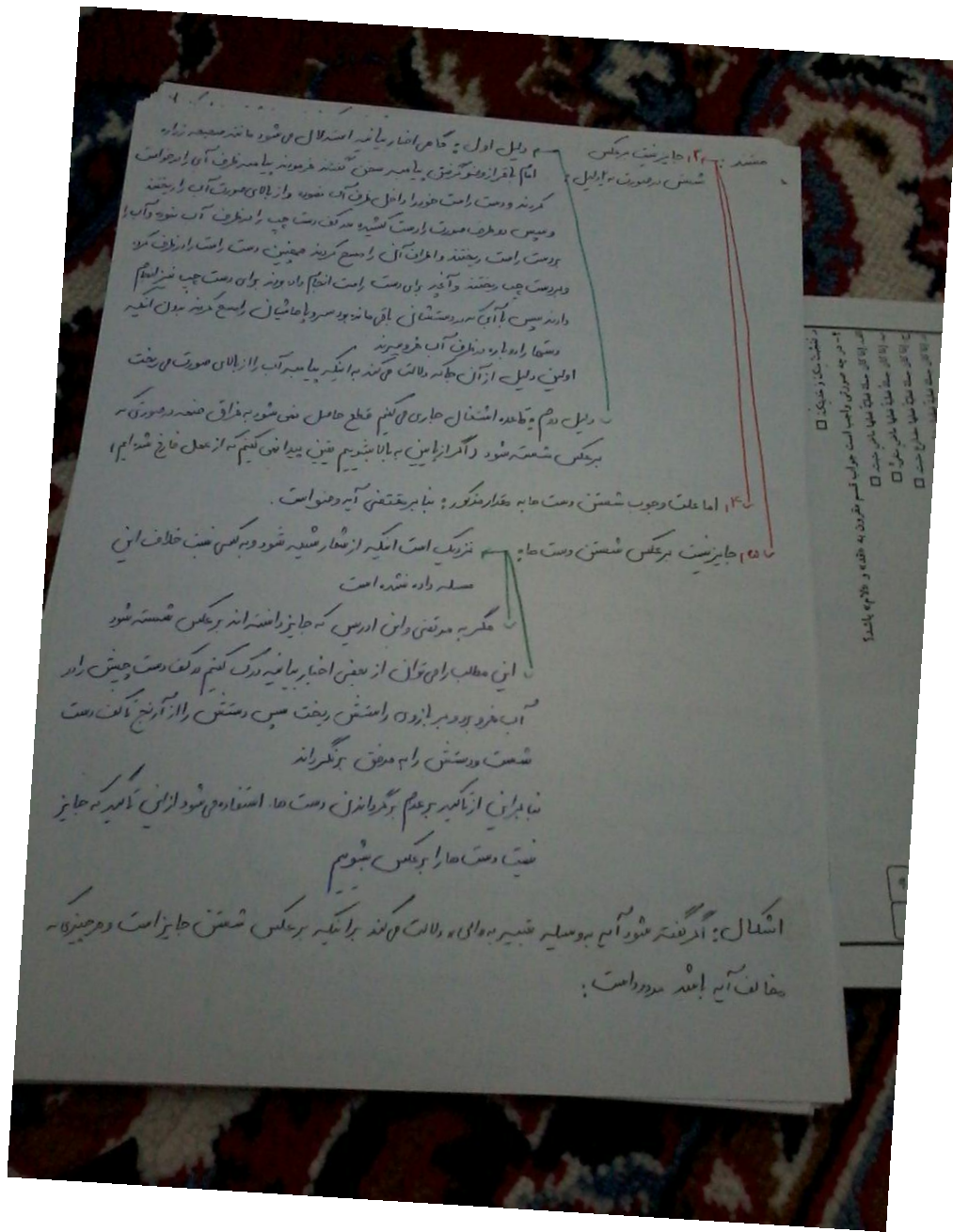
۴- یا آسف کاف است و دست یا سایر انگشتان برده است و در محل بول باید شسته شود علاوه بر اینکه در بعضی اصل

استصحاب است بول نیازم روایت (نیازم به روایاتی است)





مقدمه ۱۱ شرط است و غیره...  
 در حقیقت و صورتی...  
 اما انبلیه و صورتی است از...  
 اما فرموده شمس...  
 اما صله بین...  
 لغت: زیا لیملاء جزه صورت است فرموده: نه



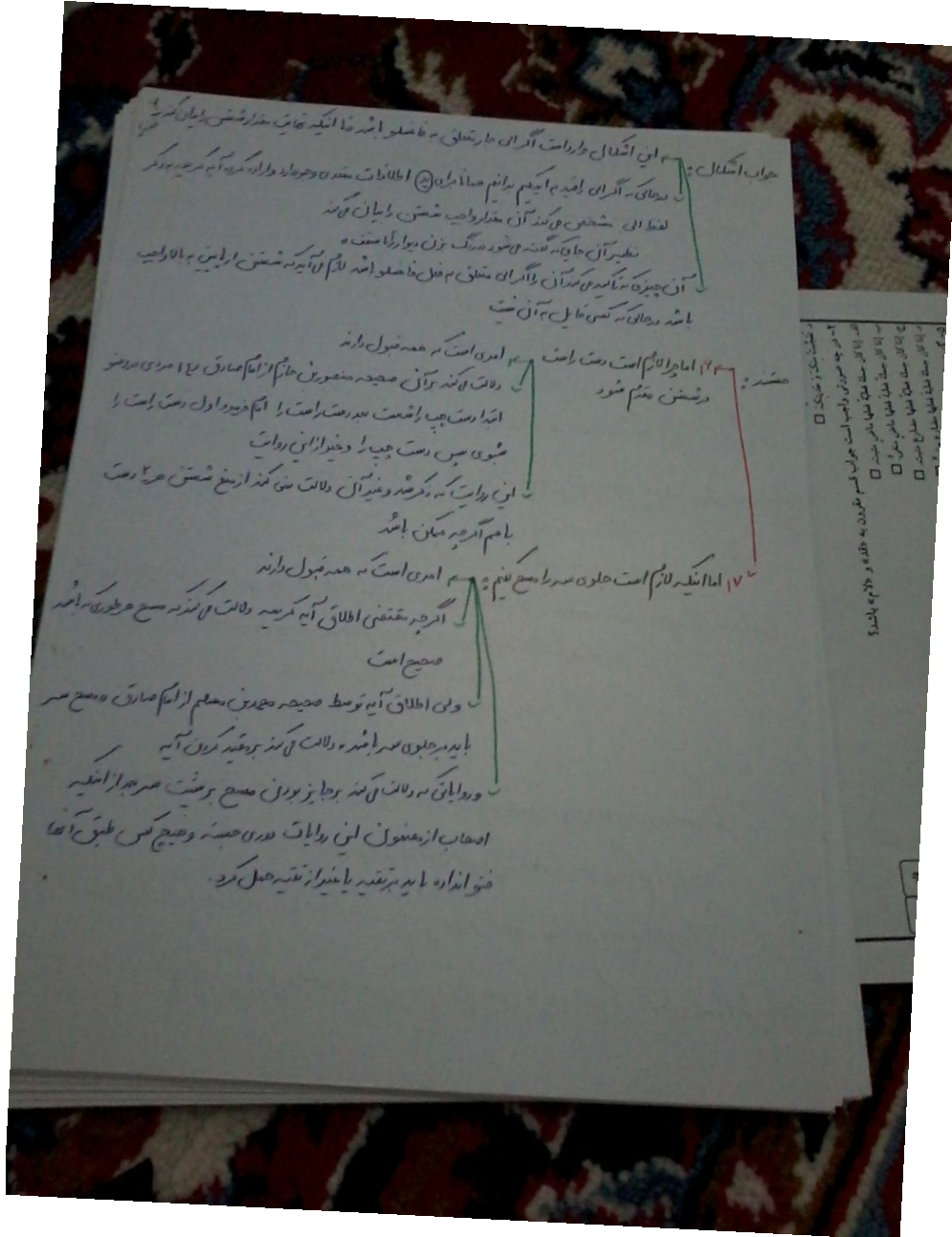
مشهد ۱۲ طایفه برجلس  
 شمس در صورت اول  
 هم دلیل اول: ظاهر اخبار یافته استدلال می شود مانند صیغه زبانه  
 اما کما لقرآن و غیره یعنی یا میرسد گفته فرمودند یا میرسد آن را برخواست  
 کردند و دست راست خود را داخل حلق آن صیغه و از بالای صورت آب ریخته  
 و میسوزد و طرف صورت راست کشیده مدافعت است چه از صورت آب شود و آب را  
 بر دست راست ریخته و از آن آب را مسح کردند همچنین دست راست را بر طرف من  
 و بر دست چپ ریخته و آنچه بر آن دست راست انعام داد و بر آن دست چپ نه انعام  
 دارند پس آب این سرد است که آن باقی مانده بود سرد را جاشین را مسح کرده بدون کشید  
 و صفا را در باره در طرف آب فرو کردند  
 اولین دلیل از آن طاهره و آنست که نمندم انگیر یا میرسد از بالای صورت می ریخت  
 و دلیل دوم: طاهره اشغال حلق می کنیم قطع حاصل نمی شود مگر در وقت صبح و در صورت  
 برجلس شمس شود اگر از این میان با ما بشویم چنین پیدا نمی کنیم که از محل خارج شدیم

۱۳ اما علت وجوب شستن دست چپ هم مقدار مذکور؛ بنا بر حقیقتی است و چنان است.  
 ۱۴ طایفه برجلس شستن دست چپ هم تزیین است انگیر از شعار صیغه شود و هم جنب خلاف این  
 مسلم داده شده است  
 حکم بر مرقعی و این ادویس که جایز و اختیارند برجلس شستن شود  
 این مطلب را می توان از بعضی اخبار یافته در کتب کتب مدافعت است چنانکه در  
 آب فرو بردن از روی دست چپ است و دست چپ را از آن آب که دست  
 شستن و دست چپ را هم در وقت برنگردانند  
 بنا بر این از آنکه برجلس بر گردانیدن دست ها استفاده می شود از این که انگیر هم جایز  
 نیست دست ها را برجلس بشویم

اسئال: اگر گفته شود آب بر صلیب کشیده و بالای او ولایت می کشند بر انگیر برجلس شستن جایز است و در حقیقت  
 صاف است آب بعد سرد است:

۱- هر چه صورتی را شست است عوارض هم بخورد به فقه و علامه باشد؟  
 ۲- آیا اگر شستن با آب سرد باشد برجلس شستن جایز است؟  
 ۳- آیا اگر شستن با آب سرد باشد برجلس شستن جایز است؟  
 ۴- آیا اگر شستن با آب سرد باشد برجلس شستن جایز است؟

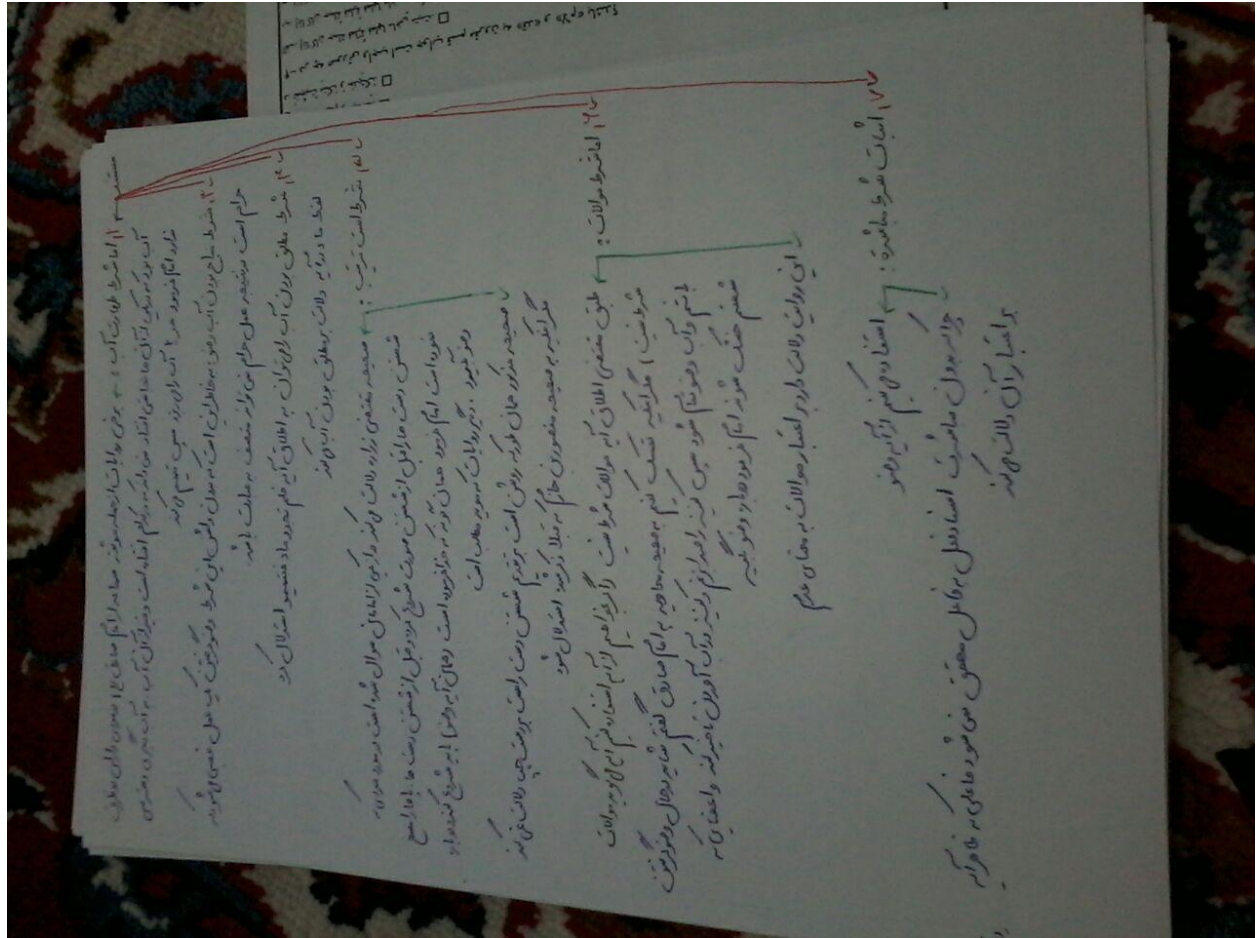


















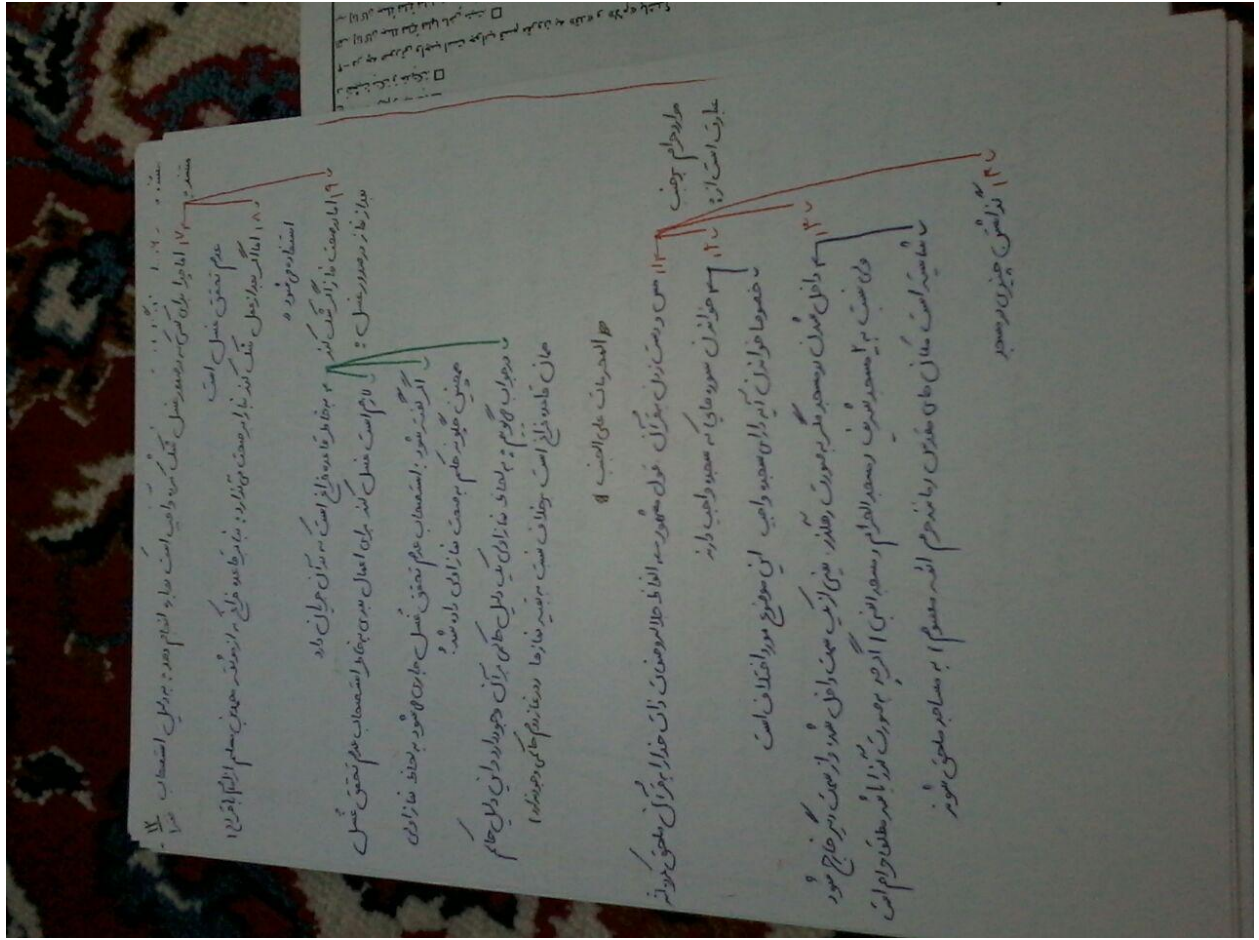












۱۱۰ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۱۱ - استصحاب

۱۱۲ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۱۳ - استصحاب

۱۱۴ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۱۵ - استصحاب

۱۱۶ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۱۷ - استصحاب

۱۱۸ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۱۹ - استصحاب

۱۲۰ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۲۱ - استصحاب

۱۲۲ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۲۳ - استصحاب

۱۲۴ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۲۵ - استصحاب

۱۲۶ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۲۷ - استصحاب

۱۲۸ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۲۹ - استصحاب

۱۳۰ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۳۱ - استصحاب

۱۳۲ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۳۳ - استصحاب

۱۳۴ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۳۵ - استصحاب

۱۳۶ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۳۷ - استصحاب

۱۳۸ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۳۹ - استصحاب

۱۴۰ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۴۱ - استصحاب

۱۴۲ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۴۳ - استصحاب

□	علم تحقق من عمل است
□	استصحاب

علم تحقق من عمل است

استصحاب

علم تحقق من عمل است

استصحاب

علم تحقق من عمل است

استصحاب

علم تحقق من عمل است

استصحاب

علم تحقق من عمل است

استصحاب

علم تحقق من عمل است

استصحاب

۱۲۰ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۲۱ - استصحاب

۱۲۲ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۲۳ - استصحاب

۱۲۴ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۲۵ - استصحاب

۱۲۶ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۲۷ - استصحاب

۱۲۸ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۲۹ - استصحاب

۱۳۰ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۳۱ - استصحاب

۱۳۲ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۳۳ - استصحاب

۱۳۴ - علم تحقق من عمل است  
 ۱۳۵ - استصحاب





۱۲  
 مستند: ۱۷ اما تفاوتش چیز دیگر است در صورت آن هیچ اختلافی وجود ندارد  
 مصدر توسط جناب اجرام است:

۱- دلیل آن صحیح است زیرا این سخن از امام حائقی روایت شده است و امام حائقی  
 حنفی و حائقی حوائج کرم است و این و آن چیز را از مصدر گرفته اند و این است که سخن است  
 اما شریعت بر روی در مصدر چیزی ندارد

۲- الصیغ و بعضی اطلاق در الفاعل است

۳- خون حیض خون است که غالباً عشاء از آن و در صورت عشاء از آن است و عشاء از آن است  
 و صورتش خارج می شود

۴- کثرتین مدت آن ۳ روز و شبی ترین آن ۱۰ روز است استمرار عرض آن در صورت اول محض بود  
 و بعد از بلوغ و قبل از آنکه شدن باشد

۵- از زن حائض نماز، روزه، طهارت، اعتکاف پذیرفته نمی شود مگر بعد از قطع شدن خون و غسل کردن  
 در این صورت روزه را قضا کنید و در آن وقت نماز را قضا کنید و در حجب حرام است با او هم حرم  
 باشد و همچنین قبل از قطع شدن خون جماع با او حرام است.

۶- طلاق او نیز صحیح نیست بنا بر تعصبات که در طهائی گفته می شود

۷- کیفیت غسل حیض همانند غسل جنابت است.

مستند: ۱۸ تخمیر حیض به صورتی که ذکر شد: و واقعاً خارج است یعنی بعد از تمام شدن عشاء با حیض می شود  
 ذکر لغز غالب بر آن اجتناب در روز از میان بعضی طهارت مانند  
 زن مضطرب و مانند آن باشد

۱- در چه صورتی واجب است غسل حیض؟  
 ۲- آیا غسل حیض قبل از بلوغ واجب است؟  
 ۳- آیا غسل حیض بعد از بلوغ واجب است؟  
 ۴- آیا غسل حیض بعد از بلوغ واجب است؟

۱۳ انقباض جفن دارن به خاطر ولایت روایات از جمله صحیح جفن بن البصره می آمده و زن حامله صارت ۱۱۷  
 و در عهد و ممالک کمر از زنی که به صورت استمرار در خون پیدا می شود و می دانند که آن  
 خون جفن است یا استخوانه را در آن گویم یا آنکه او در خون جفن هم می آید و می آید  
 بافتار و سوزش است و طون استخوانه در وقت استرس است پس از خون دارن حرارت و انتشار  
 و سیاه باشد غایب از آن روایان گویند خون خارج شده آن به گوشت می چسبند اگر اینک زن بود  
 می توانست سینه از این ویژگی ما را بر ایمان بیان کند و غیر این صعبه  
 در روز سیاه در روایت هم خون پر رنگ است و در نه خون سیاه مثل زغال وجود ندارد

۱۳۷ غلبه خون خصوصیات به خاطر انقباض از میان خون است که حکم جفن را دارد  
 به لحاظ غایب است و این صفات مذکوره در آن نسبت مثل خروج مایه زرد رنگ در ایام عادت است یک روز یا دو روز  
 قبل از ایام حالت مابعد خارج می شود

۱۳۸ علت حضور درون ایام جفن به بهترین و ضعیف ترین همان طور که ذکر شد استناد به روایات از جمله صحیح معاویه بن  
 عمار از امام صادق (ع) می باشد که بهترین ایام جفن یا روز دیشترین آنها مایه زردی باشد

۱۳۹ اما در ۳ روز اول استمرار چون انقباض حکم این است که خون جفن حداقل ۳ روز استمرار داشته باشد  
 خون جفن شرط است ظاهر مقتضای این است که خون جفن باشد نه کمتر از آن  
 اگر خون قطع شود پیش نیست بلکه خون جفن است  
 خون و اهرمه است با افعال عرضی همچنین ریشی پیش بودن زمانی محقق است که  
 افعال وجود داشته باشد ۱۰

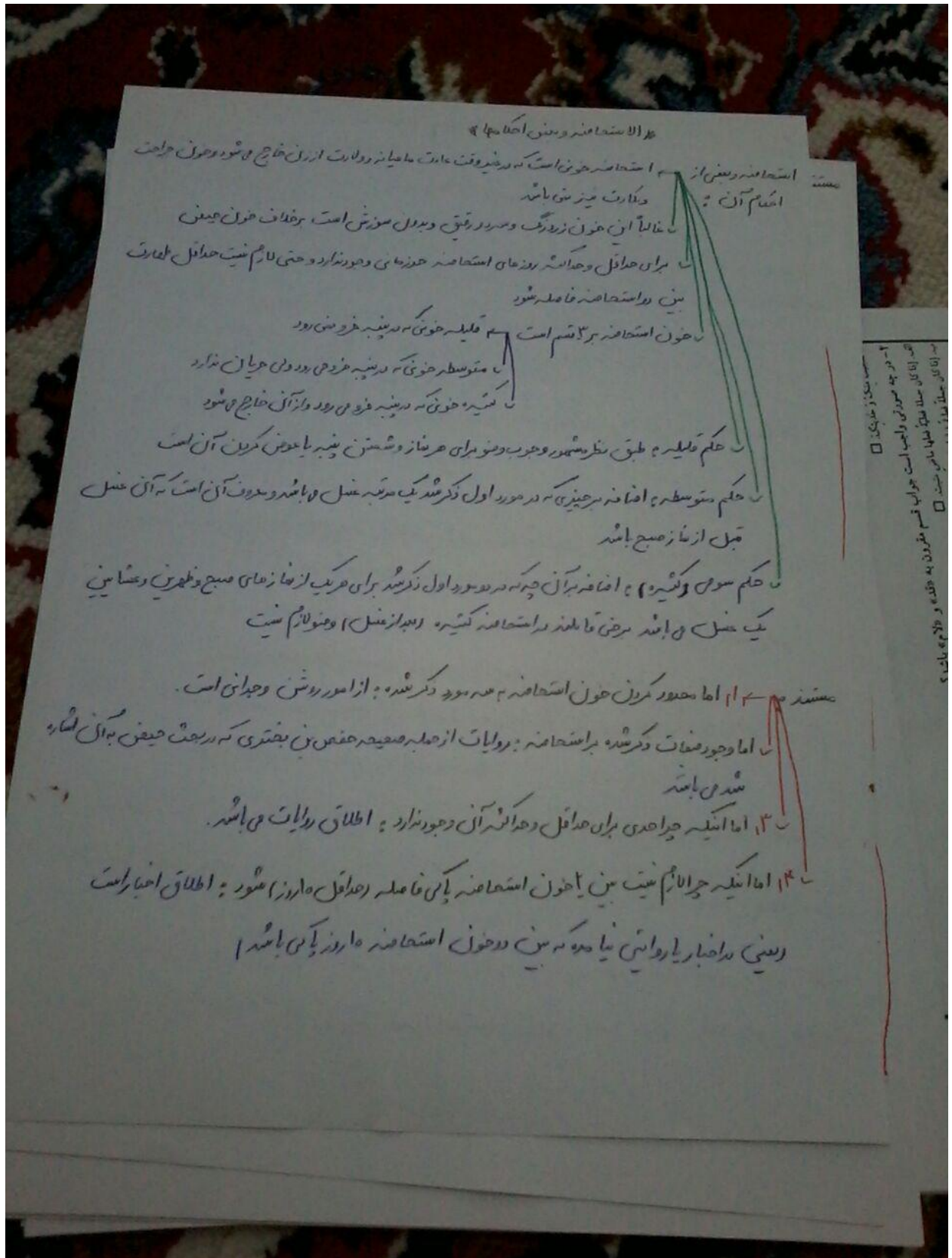
۱۴۰ مقصود از استمرار استمرار عرضی است نه انقباض به صورت دقیق باشد اگر به مقدار کمی قطع شود باز هم استمرار محقق  
 می شود به چون مقتضای این مسئله عمل الفاظ بر ما هم عرفیه آنهاست

۱- در چه صورتی واجب است جواب قسم مشروط به تقدم و تلازم باشد؟  
 ۲- این که حکم طهارت طهارت باشد یا نه؟  
 ۳- این که حکم طهارت طهارت باشد یا نه؟









مسئله ۱۱۰ چرا بر هائش واجب است ؟  
 و روایت از جمله صحیحه زبانه نیز بر آن دلالت می کند در آنجا که فرموده است  
 سوال کردم در مورد قضا و روزه نماز هائش فرموده بود واجب است  
 که نماز قضا کند و قضا و روزه بر او واجب است .»

۱۱۱ آن چه بر صفت حرام است چرا بر هائش حرام است ؟ چون پیش تر روایاتی که احتکاء مطلق معصوم و غیره است  
 جنب را بیان می کند صراحتاً آن لفظ هائش را نیز آورده اند مانند حدیث دست زدن به قرآن (عائش از چهار تن حدیث است)

۱۱۲ علت استیلا ججاج و نزهت این  
 سوال چیست حرام است ؟  
 چون خداوند است که در فضا به « و از تو به درباره خون حیض سوال نه کند مگر  
 چیز زبانه بار آورده این است از زبان کفار کبیره کند و با آن ها توبه کنی  
 نباید تا پاک شوند»  
 قطع شدن خون بر آن شدن کافی است علی رغم اینکه انقباض است  
 می کند حدیث باقی باشد

به دلیل صحیح حدیث معلوم سوال شد از زنی که خون حیض در ایام و روزهای آخر  
 قطع می شود اما فرود زبانه می شود چه زوجهش بر او صیقل دارد زن فرجش را بشوید و  
 بعد نزدیک کند اگر جز اول قبل از غسل کردن نزدیک کند»  
 اما روایتی که بر صفت نزهت دلالت می کند فعل « یعنی تواند نزدیک کند مگر استیلا غسل کند»  
 طبق طحاچه لزوم تصرف در ظاهر به فرجه صریح حمل برداشت می شود  
 چرا که حرف روایات در حد اول را تا دلیل بر روایات در حد دوم می برد در حالی که توی روایات در حد دوم  
 قرینیه است بر تصرف در روایات در حد اول.

۱۱۳ مسند استیلا غسل حیض  
 مانند غسل جنابت است ؟  
 این است که بر آن غسل کیفیت دیگری که مفایر با غسل جنابت باشد ذکر نموده  
 عدم بیان کیفیت دیگر بر آن غسل بر آن ابیات می بودن غسل هائش است  
 و الا اگر کیفیت دیگر داشت باید بیان می شد چون مسئله معتلی به است علاوه  
 بر آن در صورتی جایی از آنجا صادق وارد شده در غسل جنابت و غسل حیض یکی است»







۱۱ خون نفاس با خضوضه که ذکر شد در خلاف قول کسی است که گوید این خون شامل خون قبل

از ولایت و در صورت خون بیوز ولایت است؛ مؤلفه عبارت از آنست که در این امر اشاره دارد یعنی در آن روز  
زایمان می شود و یک یا چند روز خون زرد رنگ یا خون بی حیوانیت فرود آید نماز بخواند تا زمانیکه زایمان کند از این بنا  
همه در صورت خون قبل از زایمان خون نفاس نیست و باید نماز بخواند

۱۲ بیشتر این زمان نفاس هم قول مشهوره امروز است

قول سید مرتضی در آنست که خون نفاس ۸ روز است

در ظاهر مشهوره به خاطر مقتضای قاعده است

قاعده این بیان که ما را حاصل بخت ما در صغرویات است

صغرویات از مقدارش بدان است که مشخص است من اقل و اکثره از آن هم به خاطر تعارض

روایات

با سایر این طبق قاعده باید به حکم از آن فاعل است نماز روزی و مانند آن حاکم زمان مشی از روز

واجب است تنگ کو

۱۳ دلیل اینکه حدی برای حداقل زمان نفاس وجود ندارد؛ به خاطر اطلاق اخباری باشد

۱۴ اینکه اگر از روز تجاوز بگذرد آن روز خون نفاس است

ولی اگر از روز تجاوز بگذرد به بعد از عادت ما میان خون نفاس است

نماز می خواند فرود به اندازه ای که حیض می رسد و در روزی که

آن خون قطع شد غسل کند و نماز بخواند اگر خون قطع شد غسل کند

و بنه بگذرد و اگر چه سید مرتضی در نماز بخواند

۱۵ اینکه چرا ای روز بر می کند به خاطر نقیصه است نفاس خون از روزی که در روزی

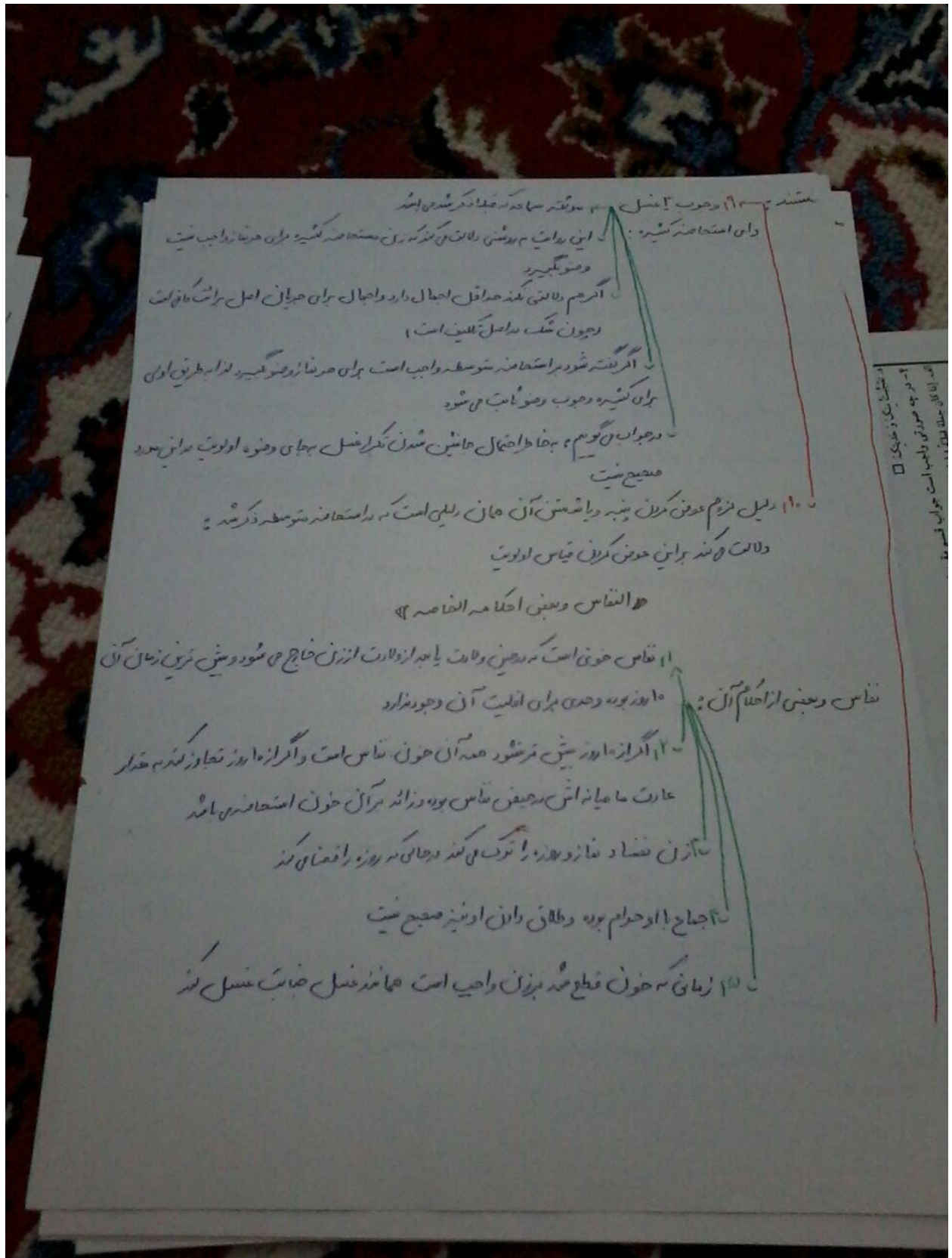
نه هم آن خون از روز تجاوز فرود می آید و در آن نفاس می شود

۱۶ دلیل اینکه طلاق زن نشاء صحیح نیست؛ صحیحه زهره از امام باقر و امام صادق روایت است که اگر مرد زن خود را در خون

نفاس یا جاری تریم با او طلاق دهد این طلاق نیست نه زن. طلاق نیست

۱۷ غسل نفاس همانند غسل حیض است با شستن آن در غسل حیض نیست

در حقیقت نفاس و حیض است  
در هر چه صورتی واجب است حیض را  
که از آن عادت طهارت است حیض نفاس



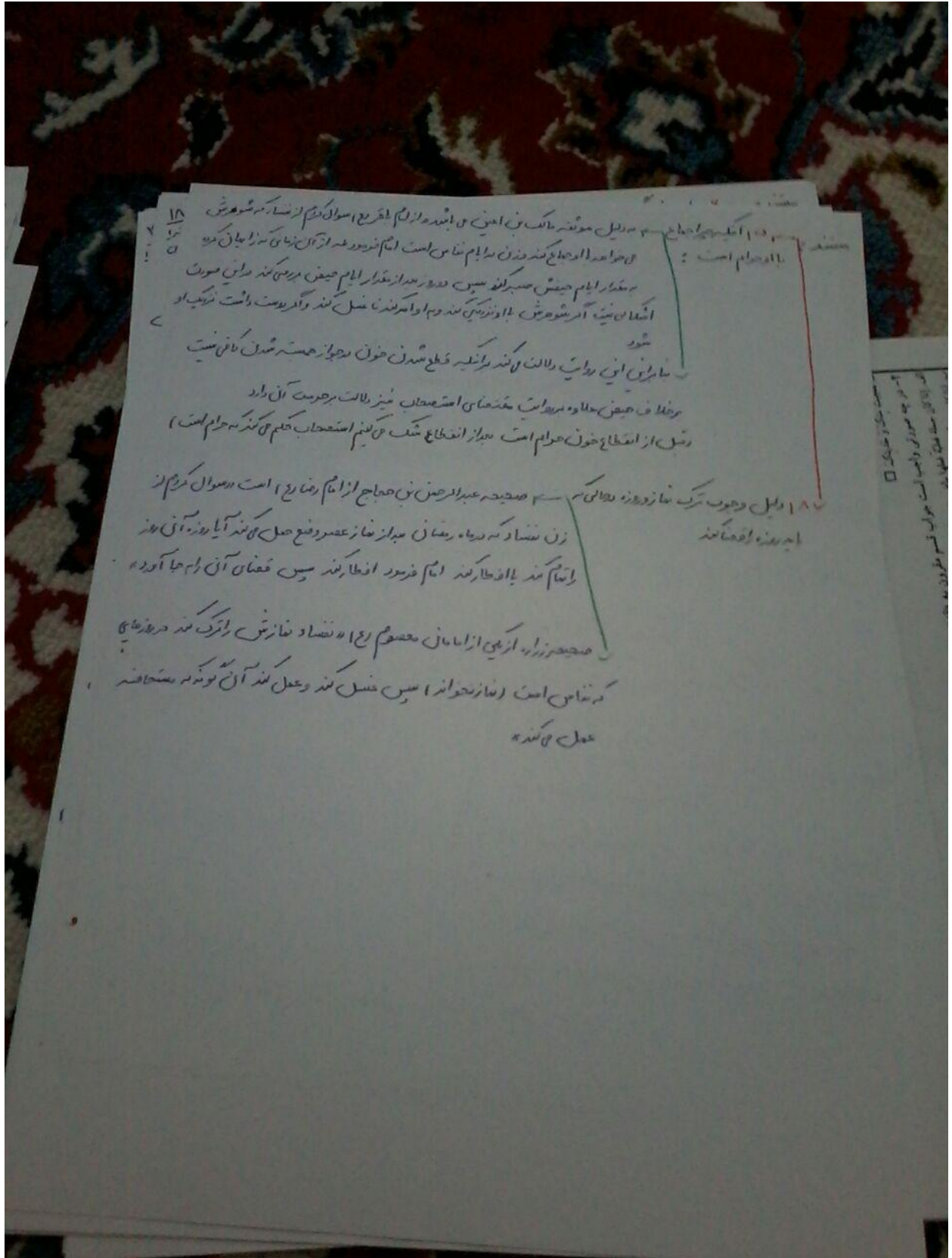
مستند ۱۱۰ و جواب! فصل ۳۰ سوئله ساجده که قبل از شدن این  
 و این استحضار کثیره: این برایت م بر نفسی دلائل که بر این مستحاضه کثیره بر این هر بنا بر واجب نیست  
 و مستقیم بر  
 اگر هم دلائل بعد حداقل احوال دارد و احوال بر این جریان اصل بر است باقی است  
 و چون تک در اصل تکلیف است  
 اگر گفته شود در استحضار متوسطه واجب است بر این هر بنا بر مستقیم بر این هر بنا بر مستقیم بر این  
 بر این کثیره و جواب و وضو واجب می شود  
 در جواب می گویم: به خاطر احوال هائیکه شدن تک در فصل به جای وضو اولویت بر این مورد  
 مصحح نیست  
 ۱۱۰ دلیل لزوم وضو بر این کثیره و با فرض آن همان دلیل است که در استحضار متوسطه ذکر شده است  
 دلالت می کند بر این حوض کردن قیاس اولویت

«التفاس و بعضی احکامه الخاصه»

۱- تفاس خون است که در زمین و ولایت یا بعد از ولایت از زمین خارج می شود و پیش از این زمان آن  
 با اوزه بوده و حدیث بر این اقلیت آن وجود ندارد  
 ۲- اگر اوزه پیش تر شود بعد از آن خون تفاس است و اگر اوزه از آن تجاوز کند هم حدیث  
 عارت ما عیان است در بعضی تفاس بوده و زائد بر آن خون استحضار می باشد  
 تا آن فساد نماز و روز را ترک می کند در جاهای که روز را فساد می کند  
 ۳- اجتماع با او حرام بوده و طلاق دادن او نیز مصحح نیست  
 ۴- زمانی که خون قطع می شود بر وزن واجب است همانند غسل وضو غسل می کند

در بعضی کتب و حدیث  
 اگر چه صورتی واجب است جواب قسمه  
 که از آن جمله است...





۱۸  
 در بیان مؤلفه ثالث بن ائمه و ائمه و از ائمه با قریح سوال کنم از فقاهت مشهورش  
 در حدیث او جمیع گفته شدن در ایام تمام است اما در مورد آنکه از آن زمان تا زمان کنونی  
 بر مقدار ایام حیض حساب کنند پس در روز بعد از مقدار ایام حیض مردگی کند در این صورت  
 اشکالی نیست اگر شورش با او نزدیک کند و او را بکشد یا فصل کند و اگر روست و است فریب او  
 شود  
 سایرین این روایت را نقل کرده اند در کتابی که قطع شدن خون در چهار جمعه شدن باقی نیست  
 برخلاف حیض حلاوه بر روایت معتدیان معتدیان نیز روایت بر حرمیت آن دارد  
 و نقل از اعطاء خون حرام است بعد از اعطاء شک و لکن استصحاب حکم کند نه حرام است  
 ۱۹  
 در بیان وجوب ترک نماز روزی دهانی است صحیحه عبد الرحمن بن حجاج از امام رضا (ع) است «سوال کردم از  
 زن نضاد نه در ماه رمضان بعد از نماز عصر وضع حمل کند آیا روزی آن نماز  
 را تمام کند یا از نماز کند اما فرمود افطار کند پس قضای آن را هم جا آورد  
 صحیحه زراره از ابی از امامان معصوم (ع) «نضاد نمازش را ترک کند در روزی  
 که تمام است (نماز خوانده) پس غسل کند و عمل کند آن گویند به نضاد  
 عمل کند»

صحیح است و حاکم  
 اگر چه صحیح است و اخص است  
 اگر چه صحیح است و اخص است  
 اگر چه صحیح است و اخص است



در الوضوء و غسل الوضوء

۱۸  
 ۱- اعتناء بر دست و دست راست و دست چپ از آنرا اعتناء در حال اعتقاد بر جان دادن یا قصد نماز دخول شهر واجب است اول الوضوء  
 ۲- در وقت غسل دست راست و چپ را با آب سرد و با دست راست غسل اول با آب سرد غسل دوم با آب دافق و در غسل  
 سوم با آب مطلق  
 ۳- غسل دست چپ با غسل چپ واجب است  
 ۴- در غسل اول و دوم شرط است دافق در صورت قدری باشد نه مویب جلب اطلاق آب خنوبه  
 ۵- در حالت لزوم برای زن و مرد در هر دو (در غسل دادن دست لازم است مگر در زن در حین و طهارت نه  
 کمتر از ۳ سال و محام  
 ۶- بعد از غسل دادن دست چپ و دست راست سه بار در هر دو دست و در هر دو دست و در هر دو دست و در هر دو دست  
 ۷- و پس دست راست و دست چپ را با آب سرد و با دست راست غسل اول با آب سرد و با دست چپ غسل اول با آب سرد  
 در وقت نماز برای پاک شدن نام دارد و وضو تمام کردن را می پوشانند و آب آن از لگنته می شود  
 ۸- اگر دست مسلمان بزرگ و دست از آسال داشته باشد بعد از غسل و کفن آنرا بعد نماز دست با آب تمیز برای او  
 واجب است که این گوشت را بعد از تمیز اول شهادتین و بعد از تمیز دوم صلوات بر محمد و آل محمد و بعد از تمیز سوم دعا در این  
 صورتین و بعد از تمیز چهارم دعا در این دست و بعد از آن تمیز پنجم گفته و با آبان برده می شود  
 ۹- در نماز دست طهارت از حدت و نجس بودن لباس و پوشش نماز در شرط دست  
 ۱۰- بعد از نماز دست در زمین رفته می شود تا حسد او از دست نماند در میان مانده و وضو از برای بر آن از دست نشویند دست در سجده  
 به جهت راحت هم طوری که صورتش بر وجهش باقی نماند تا اقامت می شود  
 ۱۱- غسل قبل از غسل سبب اعراض می شود به اسم یکی نجس شدن عضو نجس گفته می شود شرط طهارت  
 در بگیری و عیب غسل به شرطی که دست مورد شسته باشد

در وقت نماز و سجده  
 ۱- اگر چه صورتی واجب است بجز قسم مفروض به فقه و «لام» باشد؟  
 ۲- اگر کسی غسل نماید قبل از نماز است؟  
 ۳- اگر کسی غسل نماید بعد از نماز است؟

۱۱ دلیل اینکه این سخن معتبر است: ظاهر آنست که شیخ صفت سخن را با تمام صحت  
 معتبر است و در حدیث آمده است: **قول من یؤمن به و یعمل به من عمل الله و یعمل الله به**  
 معنی آنست که هر کس سخن را با تمام صحت و با تمام ایمان عمل کند و به آن عمل کند  
 این کار را بگوید تا آنکه او را در حق است.

در دلیل صحت و اعتبار آن  
 صحت بر این روایت استلال و روایت آنست که این روایت با قطع نظر از حدیث آنست  
 که در حدیث صحت و اعتبار آنست که این روایت با قطع نظر از حدیث آنست  
 صحت بر این روایت استلال و روایت آنست که این روایت با قطع نظر از حدیث آنست

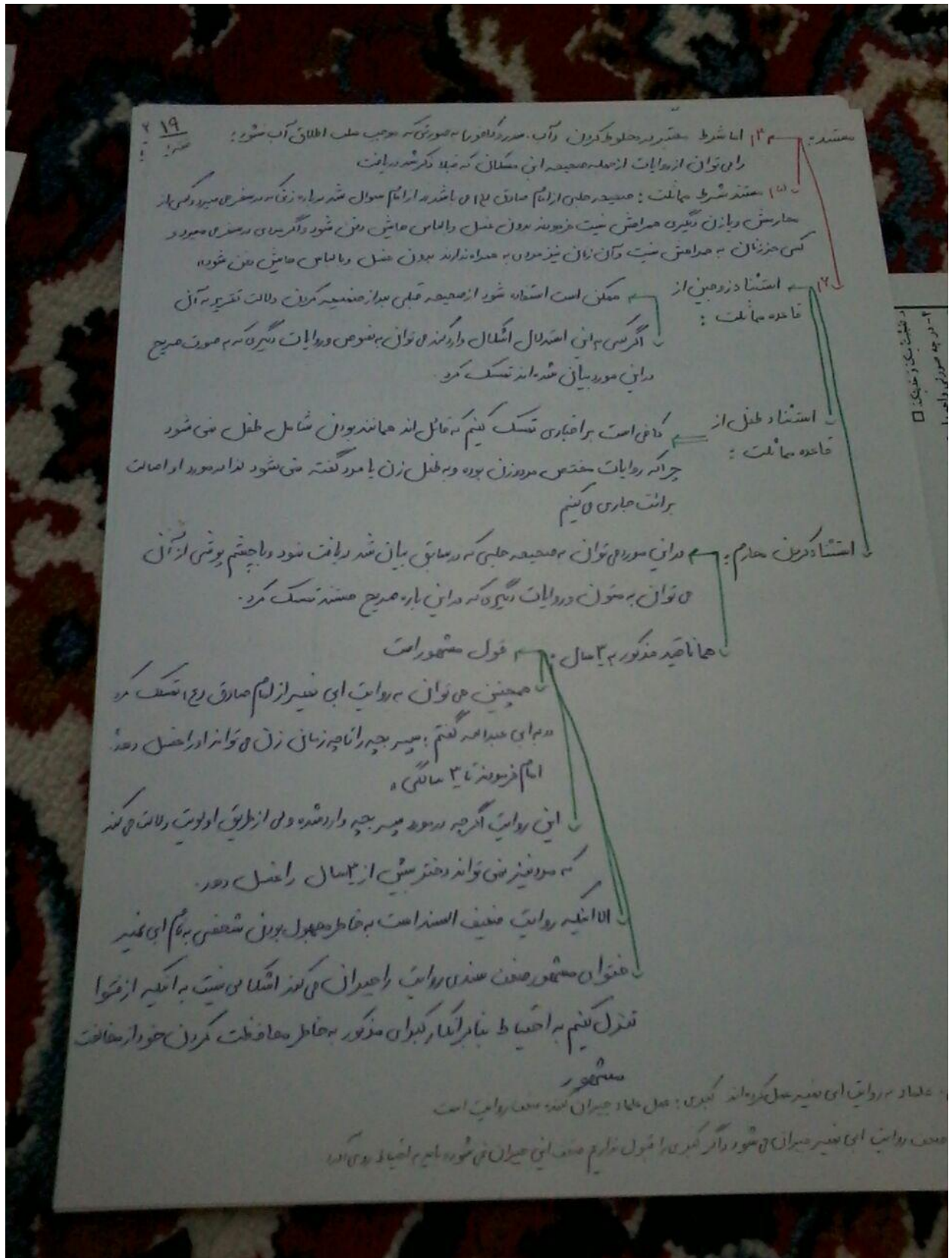
۱۲ وجوب روز نهار در روز معتبر است: چونکه غرض از وجوب نماز در هر صلیبه یک نفر است  
 ۱۳ دلیل بر وجوب روز نهار: چونکه این روایت معتبر است و در حدیث آمده است که این روایت معتبر است

**فصل بیست و نهم**  
 ۱۴ دلیل بر اصل غسل میت واجب است: چونکه از امور مسلمه است  
 روایات از حدیث معتبره صحاح از امام صادق (ع) غیر بر آن روایات است  
 غسل میت واجب است: همچنین غسل میت واجب است  
 اما واجب گفتم چون آنست که غسل بلائجه است که غسل در میت

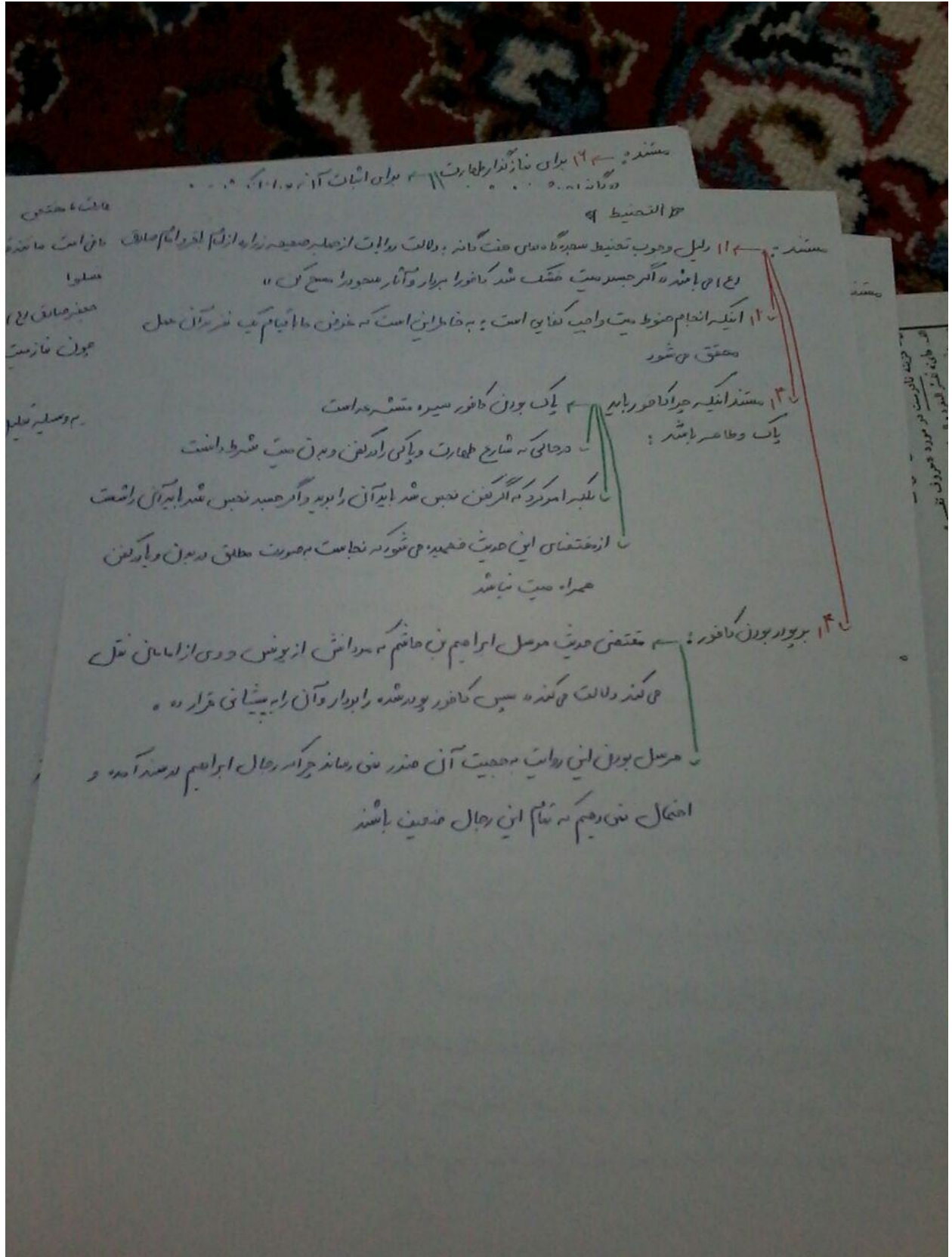
۱۵ غسل میت واجب است: معتقدان روایات از حدیث معتبره اینست که غسل از امام صادق (ع) آمده است  
 غسل میت سوال درم ضرورت است و این حدیث معتبر است که غسل میت واجب است  
 بیه و غسل میت واجب است و اینست که غسل میت واجب است

۱۶ غسل میت واجب است: در همان روایت معتبره است که غسل میت واجب است  
 علاوه بر آن بعضی از خصوص روایات معتبره در این مقام آورده اند  
 روایات معتبره در این مقام آورده اند









مسئله ۱۶ بیان نماز بار بار است ...

در التخصیص

مسئله ۱۱ دلیل و موجب تخصیص سببه ...

۱۱ انکسار انجام صیغه واجب ...

۱۲ مسئله انکسار هر دو با هم ...

از مقتضای این حدیث ...

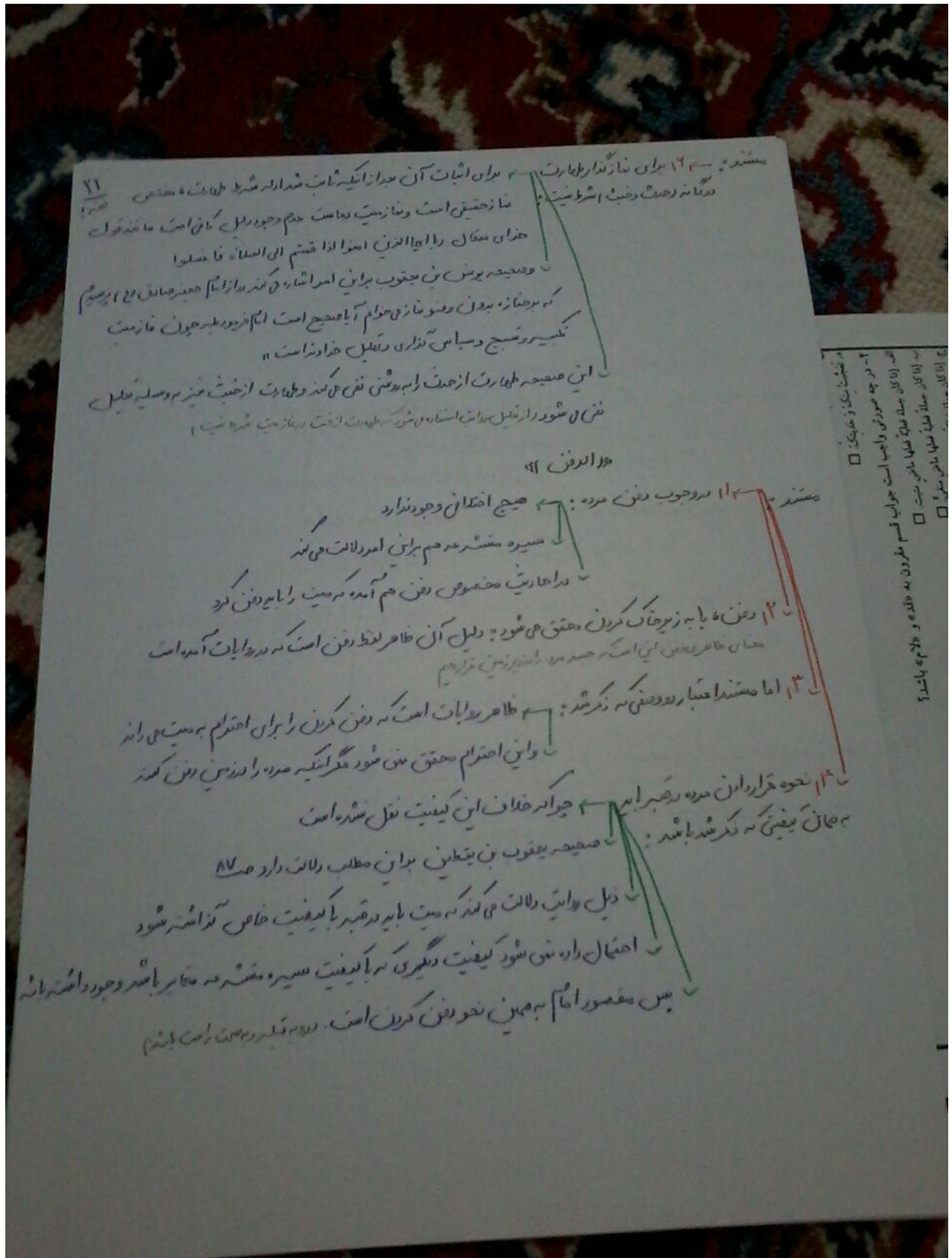
۱۴ برپا کردن نماز ...

مسئل برون این روایت ...

بسم الله الرحمن الرحيم  
 ۱۲) نماز خواندن بر بست با بر سر چه در این مسئله قول خلافی نقل شده است  
 بدواز اصل دین کردن باشد  
 ۱۳) نماز خواندن بر بست با بر سر چه در این مسئله قول خلافی نقل شده است  
 بدواز اصل دین کردن باشد  
 ۱۴) اما شرط آنکه دره باید ۳ سال به بالا باشد. می توان از حدیث زراره استقاره کرد «سیر لکما با فرج اخوف ضروراً که باطلع  
 ساختند پس امر کرد که او را غسل و رخت کنند و رخت بر او حازه هم آویزند. سپس فرود بر او مانند آن شخص نماز خواندن  
 واجب نیست لذا امام علی (ع) امر به دین کردن چنین کرده های می کرد و بر او نماز من خواند و فرود بر هم کار کرده که حاشی  
 آن تا انجام هر هم پس بگویم سن نمازیت واجب است اما فرود کسی که نماز را خیمه بنهد و عدوش ۲ حال باشد  
 ۱۵) اما شرط آنکه دره واجب است یا مرتبه هم اختیار زاده است که بر مسئله دلالت دارند مانند حدیث عبدالله بن خنی از  
 ابی عبد الله (ع) «تکبیر بر بست پنج مرتبه باشد»  
 ۱۶) بر این قضیه و جلوه های فتن این تفسیرها صحیح دلیل ناهج وجود بر روی در نماز  
 صحت صلوات بر پیامبر و دعا بر او صحت واجب است و آن هم دلیل روایت صحیح آن است  
 که از امام باقر (ع) است در نماز بر بست قرأت و دعای خاصه است که تا آن بخوانیم و من  
 شایسته است که مومن بر این صله نگاهند و آن را صلوات بر محمد و آل محمد شروع کند  
 امروزه کیفیت متداول در این مورد این چنین است که به وسیله بعضی از روایات به این  
 امر بیشتر و حتی داده اند ولی دلیل نداریم که بر آن ها دلالت کند  
 ۱۷) اما اندک شرط نیست لباس نماز ندارد صحیح است؛ هم خاطر عدم وجود دلیل است و همین دلیل بر اجماع لباس نمازین  
 در این مورد نیز بر آن جاری می شود

در چه صورتی واجب است خواب قسم مقرون به فقه و دلام باشد؟  
 حکم آن که حلقه منگشها با بر بست  
 اگر کسی حلقه منگشها با بر بست





۲۱  
 مستند ۱۲ بر این بنا بر ظاهر است  
 در بیان اثبات آن بدو از انبیه ثابت شده است شرط طهارت و صحت  
 نماز تحقیق است و عارضیت دعوت عدم وجود دلیل کافی است ما فتوح  
 خدای تعالی را ایها الذین امنوا اذا قسم الی السعایة فما عملوا  
 و صیحه یوسف بن یعقوب بر این امر اشاره می کند در آثار امام جعفر صادق علیه السلام  
 که برهان برین و صوفیانه در عالم آیه صیح است امام فرمود علی بن عیون عارضیت  
 تفسیر و صیح و سیاسی تفسیر و دلیل خداوند است  
 این صیحه طهارت از حدت را بر فرض نفسی که در طهارت از حدت نیز بر وسیله دلیل  
 نفسی شود در تفسیر بر این است اشاره می شود که طهارت از حدت نیز بر وسیله دلیل

«در الفرق»

مستند ۱۱ در وجوب روزه مرده : هیچ اختلافی وجود ندارد

صیحه مشتمل بر هم بر این امر دلالت می کند  
 در احادیث مخصوص روزه هم آمده است و باید روزه کرد

۱۲ روزه با بیهوشی که درین تحقیق می شود : دلیل آن ظاهر لفظ روزه است که در روایات آمده است  
 همان ظاهر روزه است که حدیث در حدیثین فرمودیم

۱۳ اما مستندا اعتبار روزه در نفسی که ذکر شد : هم ظاهر روایات است که درین را بر این احتمال هم صحت می رانند  
 و این احتمال هم تحقیق می شود که در حدیث مرده را در روزه روزه گفته

۱۴ نحوه قرار دادن مرده در قبور : چنانچه خلاف این کیفیت نقل شده است

صیحه یعقوب بن یحیی بر این مطلب دلالت دارد ص ۸۷

دلیل روایت دلالت می کند که میت باید در قبر با کیفیت خاصی تراخته شود

احتمال دارد نفس شود کیفیت دیگری که با کیفیت صیحه و مشتمل بر حکایت با صیحه وجود داشته باشد  
 پس مقصود امام به همین نحو روزه کردن است. در حدیث دیگر روایت است

در تفسیر بیضاوی و حدیثی  
 ۱- در چه صورتی واجب است جوارب قسم مفردون به طهارت و دایم باشد؟  
 ۲- آیا کاف جوارب طهارت واجب است؟  
 ۳- آیا کاف جوارب طهارت واجب است؟



طایفه حیثیه

۱۱) نفس که حیثیه را می‌گویند و دلیل آن صفت حیثیه است از امام صادق (ع) است «سوال کردم از امام صادق (ع) حیثیه چیست؟  
 می‌گفت حیثیه حیث است»  
 معنی این احادیث که در مورد فرموده حضرت از امام صادق (ع) است که حیثیه کوه حیثیه است  
 دلالت بر این دارد که حیثیه در لغت معنی کوه است و حیثیه در اصطلاح معنی حیث است  
 حیثیه صفت است که در لغت معنی کوه است و حیثیه در اصطلاح معنی حیث است

۱۲) حیثیه حیثیه است و دلیل آن صفت حیثیه است از امام صادق (ع) است «سوال کردم از امام صادق (ع) حیثیه چیست؟  
 می‌گفت حیثیه حیث است»  
 معنی این احادیث که در مورد فرموده حضرت از امام صادق (ع) است که حیثیه کوه حیثیه است  
 دلالت بر این دارد که حیثیه در لغت معنی کوه است و حیثیه در اصطلاح معنی حیث است  
 حیثیه صفت است که در لغت معنی کوه است و حیثیه در اصطلاح معنی حیث است

۱۳) حیثیه حیثیه است و دلیل آن صفت حیثیه است از امام صادق (ع) است «سوال کردم از امام صادق (ع) حیثیه چیست؟  
 می‌گفت حیثیه حیث است»  
 معنی این احادیث که در مورد فرموده حضرت از امام صادق (ع) است که حیثیه کوه حیثیه است  
 دلالت بر این دارد که حیثیه در لغت معنی کوه است و حیثیه در اصطلاح معنی حیث است  
 حیثیه صفت است که در لغت معنی کوه است و حیثیه در اصطلاح معنی حیث است

حیثیه حیثیه است و دلیل آن صفت حیثیه است از امام صادق (ع) است «سوال کردم از امام صادق (ع) حیثیه چیست؟  
 می‌گفت حیثیه حیث است»  
 معنی این احادیث که در مورد فرموده حضرت از امام صادق (ع) است که حیثیه کوه حیثیه است  
 دلالت بر این دارد که حیثیه در لغت معنی کوه است و حیثیه در اصطلاح معنی حیث است  
 حیثیه صفت است که در لغت معنی کوه است و حیثیه در اصطلاح معنی حیث است

کیفیت تیمم : تیمم با زدن کف بر دست بر روی زمین و مسح آن بر میان انگشتان و در طرف آن از جای موی

سر رسیده بالای بینی و ابروها

بعد از آن مسح کف دست چپ بر تمام روی دست راست از مسح دست تا نوک انگشتان

سپس مسح تمام روی دست چپ بر وسیله کف دست راست محقق می شود

تیمم بر مطلق زمین محقق می شود

سند : ۱۰ در تیمم زدن کف بر زمین حیرانه این امر معروف است

لازم است و تراشیدن دست ها بر زمین در صیغه زاره آمده است و از امام مطلقا در باره تیمم

سوال درم بین کف ریشش را بر روی زمین زد

در صیغه دیگر آمده امام باقر ع رضایت را بر روی زمین

تراشید از آن جا که این روایت مطلق و قطعی هستند پس لازم

است «الوضع تراشیدن» را با «الغضب: زدن» مقید کنیم

۱۱ زدن دست باید کف دست باشد

چون به صدق معارف زدن دست است

در حالتی که زدن با روی دست نیز

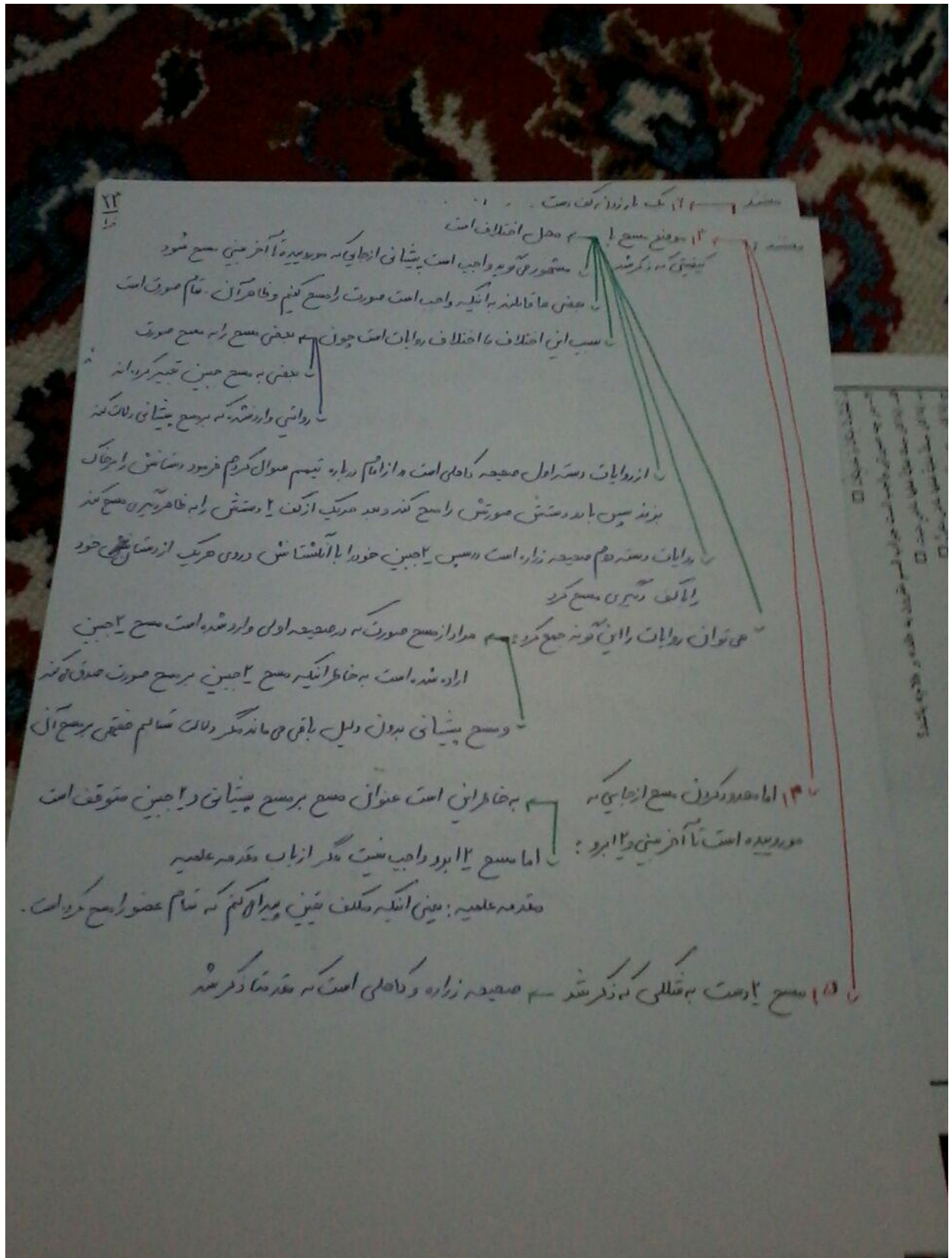
اگر اخبار میانیه اراده اش اعم بود باید تذکره دارد

محقق می شود :

در این مورد نمی توان به الملاقه تمسک کرد چون عمل امام الملاقه ندارد

تیمم با کف دست  
در هر چه صحیحی و ایضا است جواب قسم مقرون به مقدمه و «لام» باشد  
در این مسئله قطعی است  
در این مسئله قطعی است







سند

۱۶ یک بار زدن دست بر سجده برای تسبیح کفایت می کند

دقیق مشترک اختلاف هم ندارد پس قول اول: یک بار زدن دست  
 قول دوم: دو بار زدن معتبر است  
 قول سوم: اندک یک بار زدن بدل از  
 وضو است! بار زدن بدل از غسل است  
 قول خاص یک بار زدن است چه بدل از غسل باشد  
 چه بدل از وضو باشد

نکته! در تمام اینها کیفیت تسبیح در دو وضو یا یک بوبه و بین این دو فرض  
 فاشی شده است و پس قول یک بار زدن مناسب تر است

نکته  
 از حدیثی است: در وضو احوال علی بن حماد از امام رضا ع آموخته که تسبیح با اول زدن بر آن  
 صورت و با ردیم زدن برای دو دست می باشد //

جواب در ردیم باید آن را به خاطر فرستاد که قبل از شده عمل بر احتیاط که تسبیح یعنی با ردیم  
 معتبر است

۱۷ صحت تسبیح زدن دست بر سجده  
 مطلق زمین است

زیرا تفسیر لفظ «صعبه» در آیه فتیموا اصعبا طبعا «مخصوص مطلق زمین است»  
 برخلاف قول صعبه متعین که قابل است تسبیح فقط بر روی خاک صحیح است  
 از جهت تفسیر به خاک زمین از اهل لغت منسوب است ولی اکثر عقیده لفظ صعبه را  
 مطلق روی زمین تفسیر کرده اند

بنابراین تسبیح بر مطلق زمین صحیح است پس آن فتصحیح صعبه از لغت

و قول یا مسر به شهر الناس هم الیامه  
 بر مطلق زمین دلالت دارد

در تفسیر لفظ و غیره  
 در چه صورتی واجب است جواب قسم مقرون به تکرار و «لام» باشد؟  
 لفظ لایمان جمله فعلی فعلها ماضی باشد

شرح از روی این است که...

در صورتی که...

مورد وجوب تسمیم: زمانی که واجب می شود به عیار مستحکومین و آب پیدا شود

و این مستحکومین اند که می تواند از حق بدین ناموس و آب غیر از حق بدین صاف می باشد

و چنین است زمانی که سلف از رسیدن آب نا امید شده

- یا از استعمال آب بخود و دیگران ترس داشته باشد
- یا مشتاق در پیدا کردن آب داشته باشد
- یا الوقت نازتف باشد
- یا اندک اگر بمجموعه آب را صرف کند از واجب تسمیم بر آب بر آن شرط است

محرورم بیان

بسیار: ۱۱ دلیل واجب شدن تسمیم زمانی که آب وجود ندارد: قول خداوند تعالی است «فلم تجدوا ماء فلیمنعوا»

طیبا

روایان است

۱۲ اما وجوب جستجو کردن: به دلیل مجده زراره از امام ۱۲ اگر مسافر از آب پیدا کند باید جستجو کند و سایر روایان است که بر آن دلالت دارد

قاعده اشتغال: بدین گونه که سلف می دانند نماز بر او واجب است و آن نماز با طهارت است

- چه طهارت با آب باشد چه طهارت با غیره
- چه طهارت با خاک باشد چه طهارت با آب
- یا بنا بر قاعده ترتیب طهارت با آب بر طهارت با خاک مقدم است.

سین به حکم عقل لازم است ابتدا بر این یافتن آب جستجو کند و اگر بدون جستجو تسمیم درو

تیممش یک اشتغال احتمالی خواهد بود



مستند ۱۳ اما علت ازین بیرون مانع واجب است: هم خوانندگی است...  
 مستند ۱۴ اما اینکه چرا تیمم در حالت...  
 مستند ۱۵ دلیل وجوب تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...  
 مستند ۱۶ اما اینکه چرا تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...  
 مستند ۱۷ اما اینکه چرا تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...  
 مستند ۱۸ اما اینکه چرا تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...  
 مستند ۱۹ اما اینکه چرا تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...  
 مستند ۲۰ اما اینکه چرا تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...  
 مستند ۲۱ اما اینکه چرا تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...  
 مستند ۲۲ اما اینکه چرا تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...  
 مستند ۲۳ اما اینکه چرا تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...  
 مستند ۲۴ اما اینکه چرا تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...  
 مستند ۲۵ اما اینکه چرا تیمم در حالتی که مشقت در پیدا کردن آب باشد...



سند ۱۷ واجب است تیمم مقام تراخت آب واهی بشیر. مضافاً بقید صفت که تیمم واجب است در صورت  
عدم توفیق مقام شستن برین مقام این قی واجب معتد و تطهیر من این است ۱

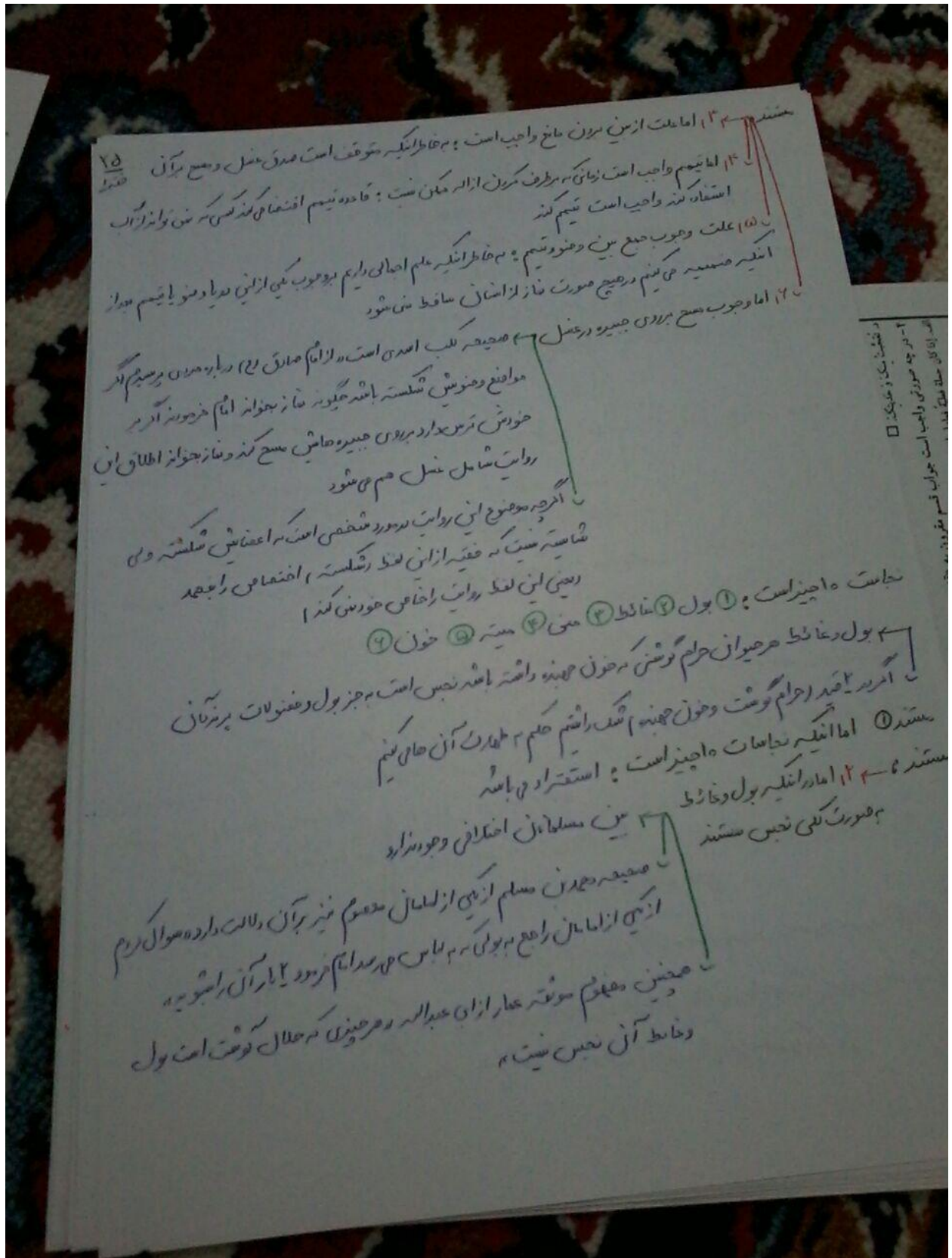
وضو جیسره این تیمم اگر برودن بعضی اعضا و وضو جیسره باشد مگر در تیمم ایدل یا جوش یا غسل در صورت امکان  
و تراخت مندر باین که در عضو وضو و جیسره باشد  
حقی اگر حیوان کن را در آب فرو برده یا آن مانع از تراخت و واجب است این در انجام شود  
در صورت تدر در خاطر ضرر تراخت لایم است برودن جیسره مسح کرد  
اگر مانعی برودن اعضا جیسره باشد مانند حیر یا بر از آن شود (مانع در طرف شود) در صورت عدم امکان  
از آن تیمم واجب است  
البته در صورتی زمانی که مانع در اعضا تیمم باشد و آن مانع در اعضا تیمم باشد لایم است تیمم وضو  
جمع شود وضو و تیمم شود هم تیمم ۱  
حکم در غسل جیسره مانند حکم وضو جیسره است.

سند ۱۸ وجوب تراختن جیسره یا فرو بردن عضو وضو در آب در صورت امکان بر اساس اقتضای دلیلی  
است که بر وجوب وضو در صورت امکان دلالت کند

۱۲ اما علمت وجوب مسح روی جیسره  
در صورت عدم امکان بر تراختن آن جیسره  
علی رغم اینکه اقتضای کف فاعده تیمم نسبت بر علم قدرت بر وضو  
داخل فاعده تیمم اقتضای کف تیمم کند و تراختن در صورتی که  
توان این وضو تراختن تیمم است ۱

مصیبه علمی از انما صلیف در باره حدیث سوال شد در غسل یا جوش در  
در غسل اطراف آن که آمد و یا با هر یک از آن در وضو تیمم گیرد و بر آن مسح کند  
زمانی که وضو تیمم گرفت اما فرو برده آن را از تیمم کند مرید یا جیسره مسح کند  
و نیز این روایت  
الدری و لایم فاعده به معنای ایدل در وضو در شده است و این سخن توان خصوصیت فاعله را از آن  
لفظ فهمید خصوصاً صلاهی به این مورد در مقام فروعی است نه در قول لایم (۱)

تیمم  
۱۰ حاجت  
۱۱ بول  
۱۲ اثر  
۱۳ اه  
۱۴  
۱۵



مسئله ۱۳ اما علت ازین بیرون مانع واجب است ؛ به خاطر آنکه موقوف است بر عقل و وضع بر آن ۲۵  
 اما تیمم واجب است زمانی که بر طرف بیرون از آن مکن نیست ؛ فاعده تیمم اقتضای آنست که بر تن و از آن آب  
 استغفار کند واجب است تیمم کند

۱۴ علت وجوب جمع بین وضو و تیمم ؛ به خاطر آنکه علم اجمالی داریم بر وجوب این ازین روایات و منویای تیمم بود  
 آنکه منسبه می بینیم در صحیح مورث نماز از استان ساقط می شود

۱۵ اما وجوب مسح بر روی چپ و در غسل صحیح قلب اشد است « لا اثم علی رجل » روایت درین روایت  
 مواضع وضویش شلسته باشد حیوان نماز حیوانه اثم فرود آورد  
 خورش آن در در بر روی چپ و حاشی مسح کند و نماز حیوانه اطلاق این  
 روایت شامل غسل هم می شود

۱۶ اگر چه در بعضی این روایت در مورد شستن است نه اعضایش شلسته و این  
 مناسبت نیست نه حقیقه از این لفظ شلسته ، اقتضای واجب  
 یعنی این لفظ روایت را خاص خورش کند

نجاست ه اجیز است ؛ ۱ بول ۲ غائط ۳ منی ۴ میته ۵ خون ۶

بول و غائط هر حیوان حرام گوشت نه خون همین و اشته باشد نجس است به جز بول و غنولات پرنده  
 امری که حرام گوشت و خون همین است را شتم حرام است طهارت آن ها تیمم  
 مسئله ۱ اما آنکه نجاسات ه اجیز است ؛ استقره او در باشد

مسئله ۲ اما در آنکه بول و غائط  
 هر صورتی که نجس هستند

۳ من مسلمانان اختلافی وجود ندارد  
 صحیح در عهد مسلم ازین از مسلمان معصوم نیز بر آن دلالت دارد سوال دریم  
 ازین از مسلمان رافع به بول است مگر در آنکه فرود آید بر آن را حیوانه

۴ صحیح در عهد موقوفه عمار از این عبدالله و هر چیزی که حلال گوشت است بول  
 و غائط آن نجس نیست

در فضیلت بیک و عینیک  
 در چه صورتی واجب است جواب قسم مفروض  
 اگر آن کس حمله طلب نماید



مسئله ۱۳ اما شرط حرام بودن حیوان بر آن صفت بول و غائط

اما شرط داشتن خون همیده به دلیل مؤلفه عالمی از این حیوان  
 می باشد در سوال شده است از حیوان و بول و غائط و حیواناتی که شکر  
 آن صفت که در جوارح یا در خون یا در ریه حیوان است و اما در آن ما  
 می بینیم اما اگر حیوانی در خون همیده ندارد هیچ اشکالی نیست  
 بیست و چهارم در خون بدون حیوان و غائط و بول و غائط است  
 در آن اشکالی نیست خارج می شود این حال اما بدون هیچ قیدی حکم  
 طهارت مایع دارد

مسئله ۱۴ دلیل اینکه بر مردمان از این قاعده مستثنی هستند به صیغه ای بصیرت از آن مایع ریخ است و هر صیغه  
 بیرون نیز بول و فضولات آن پاک است.

اما اندک در بقیه شک کردیم حکم به طهارت می دهیم به بنا بر قاعده طهارت است  
 مبنی و صیغه هر حیوانی که در آن خون همیده باشد مبنی و صیغه آن نجس است  
 هر از صیغه حیوانی است که در ریخ شرعی شده باشد  
 آن چه از بازار و دست مسلمانان گرفته می شود اگر در زیر آن شک کنیم مطلقاً نجس است و طهارت است  
 حتی اگر قبلاً در دست حاضر بوده باشد پس شرط است احتمال ریخ مسلمانان از زیر آن همیشه در دست است

مسئله ۱۵ اما صفت صیغه ای که دلیل آن تمام علما  
 انبیه ریخ شرعی شده باشد  
 می توان اذعان توأماً حاصل برداشت نمود  
 مانند صیغه زره از امام باقر (ع) و اگر موش در روغن بیفتد بعد از امام فرمود  
 اگر روغن حامله باشد موش و اطراف آن را بردار و از تنبیه آن روغن استفاده کن و اگر  
 اگر روغن مایع باشد آن روغن را نخورد و در آن چیزی استفاده کن

در آن که جنگ طلبی آنها مشایخ است  
 ۵- گفته اند که در مورد معروف و مشهور  
 ب- در این صیغه هم مبنی و صیغه  
 ج- در این صیغه هم مبنی و صیغه  
 د- در این صیغه هم مبنی و صیغه  
 راجع به طهارت مایع در دست مسلمانان را معنی نمایند.

۲۲  
حکماً

مستند: اما الله ارضی ارضان به خاطر اجحاج حقش است  
اشهدنفس است

صنوبرت دین اقتصاد کند  
در ایات زیادی بر آن دلالت می کند مانند صبحه محمد بن مسلم در امام  
پرسیدند که نفس به لباس بر خوردن نموده بار کنیم امام فرمود اصل  
احباب رخن دانی آن را شبوی و اگر سن دانی همه لباس را شبوی

اما الله منی غیر انسان  
نجس است

دلیل آن صبحه محمد بن مسلم از امام می آید یعنی این شدت نجس ذکر کرد  
و آن را نجس تر از بول می آید  
«وال» در الفی و البول از نوع ال حیض است بنا بر این ضلایم به بول حیوان  
حرام تر است از این خون جهنمه نجس است منی آن نیز مانند بول است  
تسک به حدیث اول (المنی یسب الثوب) صبیح نیست چرا که حدیث اول به  
منی انسان متصرف است (و بحث ما در مورد منی غیر انسان است)

منی حیوانی به خون گندیده دارد  
اگر حلال تر است با عذر حکم به نجاست است

به خاطر اجحاج حقها  
بنا بر مقتضای عموم مؤثقه این بلیه منی با آن است  
«و حیضه حلال تر است با عذر نماز با شستن و بول و مو و عین و ناک و غیره  
و هر حیضه از آن تر فتنه می شود جایز است»

لکنه اگر اجحاج را قبول داریم منی نجس است اگر قبول نداریم بجا بر مؤثقه ظاهر

دلیل طهارت منی  
حیوانی خون جهنمه نکرده

بعد تصور قبول ادب نجاست ما اصل طهارت و دلیل است که بر طهارت آن  
و آن صبحه حقیق بن عیاض از امام صادق (ع) است که از امام باقر نقل می کند  
آب نجس نمی شود مگر از حیوانی که خون جهنمه داشته باشد  
اطلاق این حدیث شامل منی حیوان نیز می شود

تغذیه حیوانات  
در چه صورتی نجس است حیوان قسم طهرون به فقه و اعلام باشد؟  
در کتب معتبره نقل شده است که



۱۳ دلیل پاک بودن حیوانی که قاضی طهارت است  
 که خون کهنه خارده  
 حیوانی که قاضی طهارت است شامل میسرهای که خون کهنه  
 خارده نیست شود  
 حیوانی که در طهارت کثیف دارم و آن مؤذنه صالح است که پاک  
 است بول و قاعه با زشت

۱۴ آنصبر صیغه افعول حیوانی که شامل حیوانی که خون کهنه خارده  
 نوح شریف شده است  
 دلیل آن مؤذنه صیغه م افعول و اگر غیر از آنست و هم اگر نفس از پوست آن  
 استناده کثیف اما اگر حیوان صیغه افعول از پوست و پوست آن استناده کثیف

۱۵ آن چیزه از بازار مسلمانان گرفته می شود  
 حکم مطهر بودن و طهارت است  
 دلیل آن مقتضی صحیحه فنیله وزیراره و مسجدین مسلم است  
 حکم مطهری که در نه از امام باقر رخ ارجع به نوشته که از بازار مسلمانان  
 گرفته می شود و دانسته نمی شود که قصاب چگونه حیوان را ذبح کرده است  
 امام فرمود که منظور هر چیزی که از بازار مسلمانان گرفته می شود از آن سوال  
 کن در تحقیق و جستجو کن  
 حدیث امام باقر علیه السلام در صیغه قطعیه است بر اینکه چه جستجو لازم است در مورد  
 آن چیزه از بازار مسلمانان گرفته می شود و دلالت می کند  
 باید این بوها را طهارت و طلال بودن حیوانی که از دست مسلمانان گرفته می شود حکم می شود  
 چرا که عنوان بازار مسلمانان مطهر است نه در همه جایی معتقد است حیوانی که طهارت و فالتی در حکم  
 طیب نماند  
 بلکه بازار مسلمانان از جهت ناخصیبت از دست مسلمانان جهت است من مملکت طیب و طهارت و  
 مسلمان است نه بازار مسلمانان

حوا  
 مستند

۲۷  
 مستخرج است از عمومیت حیث از جمله آن هم شامل اطلاق صحیح است  
 شامل خاص است تا فرقی آن است و این قید اطلاق را به خود سلطان از تکرار ماضی و مستخرج  
 می باشد که حیث از جمله آن از آن شانه تکرار است  
 و در صورتی که بین حاصل کنیم سلطان تکرار مکرر صحیح شانه آن  
 حیث

خون: هم خون حیوانی است و اگر در غده غده بدن خون در حیوان ملک اعمار شود هم  
 م لغایت داده می شود  
 آن چه با خارش از بین خارج می شود اگر خون بدن آن ملک شود یا آن است  
 اگر ملک در تریه ای آمد عدالت کردن و مستخرج از آن حیث حتی اگر این مستخرج کردن به آسانی محقق شود  
 مستخرج است از خون نجس است و این مسئله مسلم و موردی که از ضروریات فقه است  
 روایات زیاد در مورد اینهاست مثلا تفاوت خون ریاح و غرضی است از زمین نه آن  
 و زخم طایفه در آن آب بر نجاست خون دلالت می کنند  
 با تسک به معنی روایات خاصه روایان خون منی خون نه آن و زخم حصول است  
 طبیعت خون نجس است مثل آن می شود  
 مگر استیفاء هم از آنجا که در صلیب بودید لایه  
 با نام اطلاق صحیحه مؤلفه عمار از آنکه صاف رخ است و نجاست طبیعت خون  
 حکم می کنند تسک شود  
 از آنکه سوال شده از حیثی است که در آن آب می خورد خورد به خود از چیزی که حیوان عقال گوشت از آن  
 خورده است و زرافه مانند آن و منور لایه و از آن نوش مکرر اندیشه درون پرند خون بیسی اگر درون  
 پرند خون بیسی از آن و منور لایه و از آن نوش  
 تا این اطلاق و از خون در حدیث آمده دلالت می کند بر مطلق خون نجس است یعنی عرضی نجس است

در خصوصیت و عیب است  
 اگر چه در صورتی واجب است چنانچه  
 حکم از آن است که در حدیث آمده است چنانچه  
 در آنجا که در حدیث آمده است چنانچه



از او بر میآید پس بنا بر این وضو اطلاق حکم خون نجس است بطبیعت خون نجس است | و طهارت و نجاست  
 بیخون نجس یعنی نیز نجس می شود و این قول برخلاف حکم است در قیاس و حکم خون نجس است  
 لذا بنا بر فاعله طهارت ما حکم بر طهارت خون نجس داده می شود  
 حکایت آن است که در فاعله طهارت ما حکم بر طهارت نجس است اما نیز نجس خون نجس است و این دلیل است  
 آن اطلاق حکم خوردن خون است که در آیه و انما حرم علیکم الدمیه و الدم استناد می شود  
 مستند ۱۲ اما باین خون حیوانی - دلیل آن فاعله طهارت است بدانکه حکم نجاست همه حکم و ایات بر آن است  
 خون چه بنده ندارد  
 اگر ثابت شود که عموم خون نجس است می توان به حیضه نجس اکتفا کرد  
 که در بعضی طهارت من حیوانی خون چه بنده ندارد آمده است نجس است  
 ۱۳ اگر در صید طهارت شک در حکم طهارت در حکم : دلیل آن امانت طهارت است  
 ۱۴ دلیل چیز مشکوی نه به وسیله خارج خارج می شود و همین چیز مشکوی نه در این خارج می شود و حکم طهارت  
 است : امانت طهارت است  
 ۱۵ در صورت شک در خون بودن خون شهید و شهید و غیره فاعله نجاست در شهید مشکوی  
 در نجس است سلام کنیم  
 دلالت دارد بر این مسئله صحیحه زاره در آیه بودن چیزی است اگر چیز مشکوی  
 می نامیم بر خود و نیز اما فرمودند چیزی بر شامیت خون شما می حرامی شک  
 الزم خود بر طرف کسی «  
 تعریف : خمر : شرابی که از انبوه در دست می شود  
 بنید : شرابی که از فرمایم در دست می آید  
 قناع : شرابی که از جوی در دست می آید

در صورت شک در نجاست خون حیوانی  
 در آن حال حکم طهارت همانا حکم نجاست است  
 در آن حال حکم طهارت همانا حکم نجاست است  
 در آن حال حکم طهارت همانا حکم نجاست است

حضر صفید فقاہ میں ان آیتوں پر شریعت مطلقہ کی حیثیت سے  
 لغتہ شدہ تہ حرما ج مطلقہ کی حیثیت سے  
 آن آیتوں میں وصلیہ حرمت کا حکم مقرر ہے اور اولیٰ اصل از لغتہ کی حیثیت سے  
 آن آیتوں میں وصلیہ حرمت مقرر ہے اور اولیٰ اصل از لغتہ کی حیثیت سے

**بسم الله الرحمن الرحیم**  
 اختلاف روایات میں اختلاف ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں

آن جگہ پر جو روایتیں ہیں ان میں اختلاف ہے در بیان آن  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں

وہاں آیتوں پر اختلاف ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں

بیاں تو صحیح ہے لیکن بعضی روایتیں اختلاف ہے در بیان آن  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں

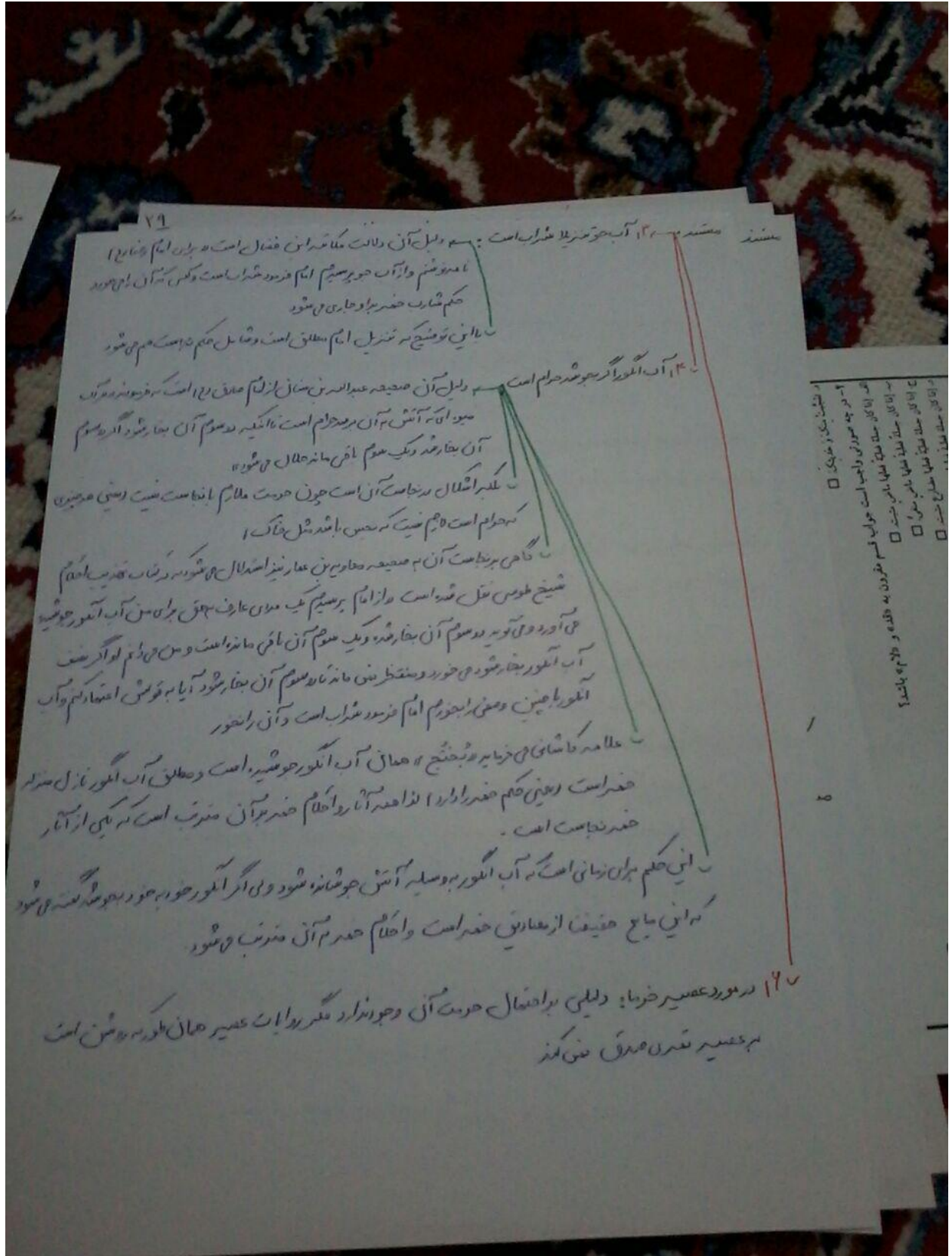
آن نیز مطلقہ سے مراد ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں

خداوند خدا بہ خاطر اہم آن حکم پر مطلقہ ہے در بیان آن  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں  
 اختلاف روایات میں برپا ہے در بیان آن اختلاف روایات میں

حضرت اس

اس کی حیثیت سے  
 ۱- در جو صورتی واجب است جو اب قسم معروفانہ بقدرہ و لازم باشد  
 ۲- ان کا جملہ طلاق نہیں ہوتے  
 ۳- ان کا جملہ طلاق نہیں ہوتے  
 ۴- ان کا جملہ طلاق نہیں ہوتے





بسم و دل آن ولایت ملامت است در این زمان که  
 ناموس و آزار آن جوهر عظیم امام فرموده شراب است و کس آن را خورد  
 حکم شراب خمر بر او جاری می شود  
 تا این توضیح که شراب امام مطلق است و شامل حکم شراب هم می شود

۱۳ آب الخوراک جوهر صلوات است بسم و دل آن صلیبه عبدالرحمن صفای از امام مطلق است که فرموده در وقت  
 میوه آن آتش است آن بر چه درام است تا آنکه در موسم آن بخار شود اگر در موسم  
 آن بخار شد و یک موسم باشد مانده حلال می شود  
 مگر اشغال در نجاست آن است چون حرمت ملازم آن است نیست و حتی در نجاست  
 که حرام است لازم نیست که نجس باشد مثل خنک

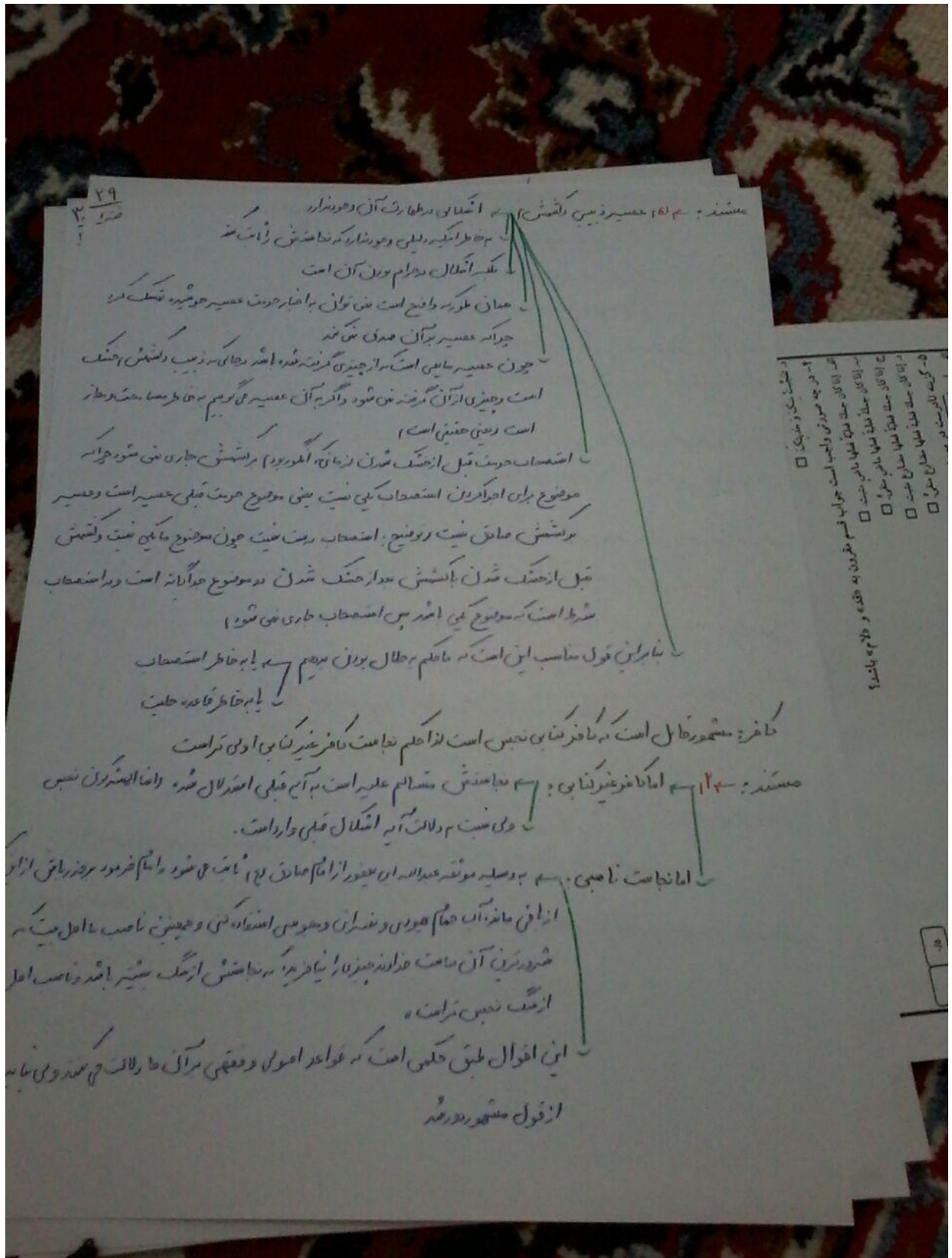
گاهی در نجاست آن به صلیبه دعا و برین دعا نیز اصلاح می شود در شراب خمر یا امام  
 شیخ طوسی نقل کرده است که از امام پرسیدیم یک مدی عارف به حق برای من آب آنور جوهر  
 می آورد و می گوید در موسم آن بخار شده و یک موسم آن مانده است و من می گویم که اگر صفت  
 آب آنور بخار شود می خورد و منتظر بنی مانده تا در موسم آن بخار شود آیا به قوس اعتقاد است و آب  
 آنور را همین وصفی است جوهر امام فرموده شراب است و آن را آنور

علامه کاشانی در خبایه در بحث « همان آب آنور جوهر صلوات است و مطلق آب آنور نازل صریح  
 خمر است یعنی حکم خمر را دارد از آنکه آنرا و اطلاق خمر بر آن منسوب است که این از آثار  
 خمر نجاست است

این حکم بر این زمانی است که آب آنور به وسیله آتش جوخته شود و اگر آنور جوهر جوهر خمر است  
 که این جامع حقیق از عقاید خمر است و اطلاق خمر بر آن منسوب می شود

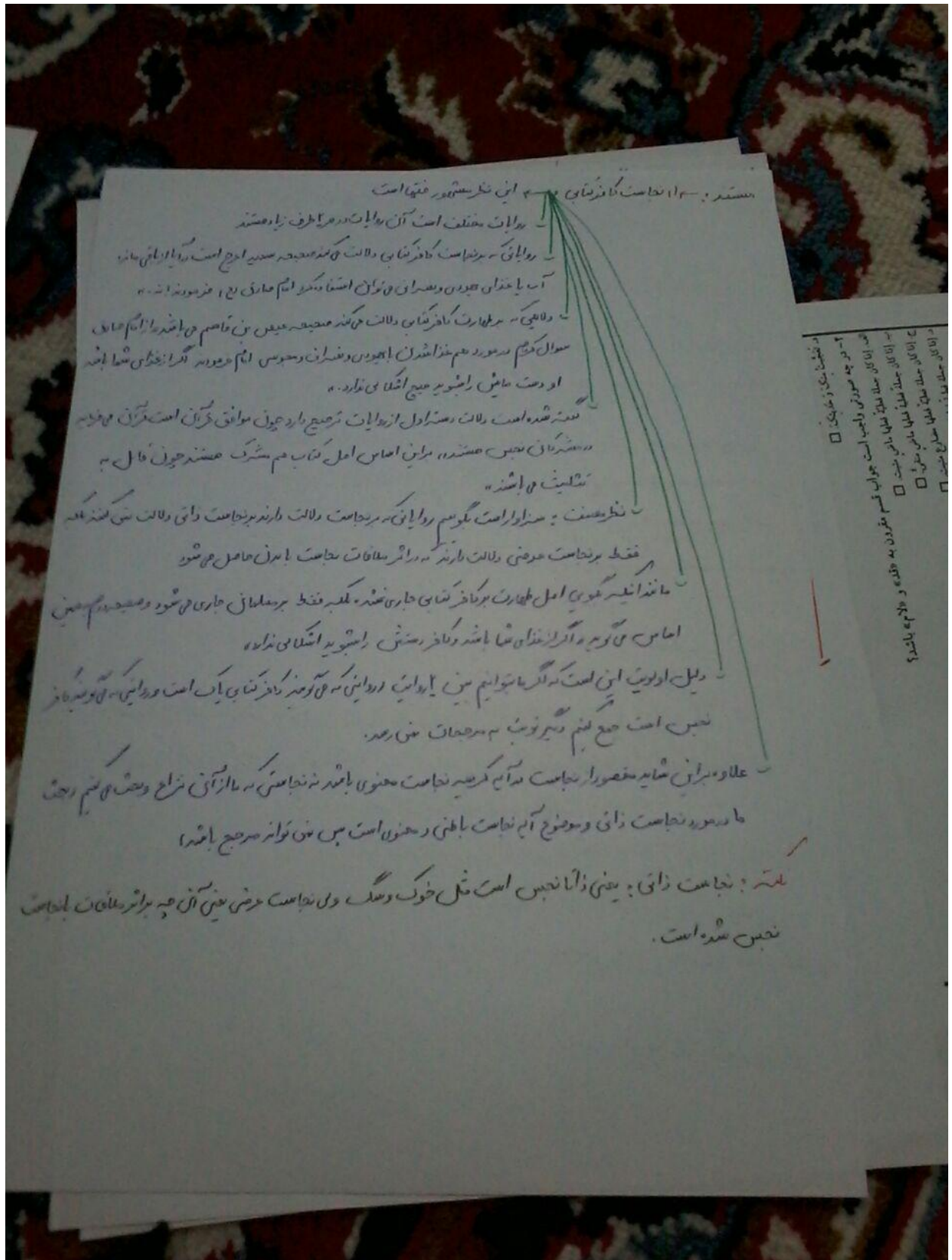
۱۴ در مورد عصیر خرما؛ دلایلی بر افضال حرمت آن وجود ندارد مگر روایات عصیر همان طور که روشن است  
 به عصیر نقری صریح نمی کند

در شکیبایی و خبایه  
 ۱- در چه صورتی واجب است جواب قسم مکرر به قلمه و دایم باشد؟  
 ۲- آیا کار حلال است علیها یا نه؟  
 ۳- آیا کار حلال است علیها یا نه؟  
 ۴- آیا کار حلال است علیها یا نه؟



در شش است و حلیت  
 ۱- بر چه صورتی واجب است جواب قسم مقررین به فقه و دلام باشد؟  
 ۲- آیا کافر حاکم علیه السلام باقی است؟  
 ۳- آیا کافر حاکم علیه السلام باقی است؟  
 ۴- آیا کافر حاکم علیه السلام باقی است؟  
 ۵- اگر کافر حاکم علیه السلام باقی است؟





ادامه کبریا که عروق زین مصداق است  
 مصداق کبریا که عروق زین مصداق است  
 مصداق کبریا که عروق زین مصداق است

اصول استدلالیه کبری هم اطلاق کننده وضو است  
 اصول استدلالیه کبری هم اطلاق کننده وضو است  
 اصول استدلالیه کبری هم اطلاق کننده وضو است

شکل از وضو اگر چه استیفاء بر انجام دادن وضو امری است که  
 شکر از وضو اگر چه استیفاء بر انجام دادن وضو امری است که  
 شکر از وضو اگر چه استیفاء بر انجام دادن وضو امری است که

لا اله الا الله  
 لا اله الا الله  
 لا اله الا الله

مصدق بر حدیث  
 مصدق بر حدیث  
 مصدق بر حدیث

و در بیان بطلان وضو هم مصداق است  
 و در بیان بطلان وضو هم مصداق است  
 و در بیان بطلان وضو هم مصداق است

و صلوات جلال  
 و صلوات جلال  
 و صلوات جلال

اما فرموده به خدا این عمل صحیح است  
 اما فرموده به خدا این عمل صحیح است  
 اما فرموده به خدا این عمل صحیح است

آن را انجام داده باشم  
 آن را انجام داده باشم  
 آن را انجام داده باشم

بطلان می شود  
 بطلان می شود  
 بطلان می شود

ما ندرستیم مصداق است  
 ما ندرستیم مصداق است  
 ما ندرستیم مصداق است

اما فرموده آنرا با ای بر نفس را  
 اما فرموده آنرا با ای بر نفس را  
 اما فرموده آنرا با ای بر نفس را

و اگر بعد از این عمل با عین خود  
 و اگر بعد از این عمل با عین خود  
 و اگر بعد از این عمل با عین خود

شکر از وضو اگر چه استیفاء بر انجام دادن وضو امری است که  
 شکر از وضو اگر چه استیفاء بر انجام دادن وضو امری است که  
 شکر از وضو اگر چه استیفاء بر انجام دادن وضو امری است که

لا اله الا الله  
 لا اله الا الله  
 لا اله الا الله

مصدق بر حدیث  
 مصدق بر حدیث  
 مصدق بر حدیث

و در بیان بطلان وضو هم مصداق است  
 و در بیان بطلان وضو هم مصداق است  
 و در بیان بطلان وضو هم مصداق است

و صلوات جلال  
 و صلوات جلال  
 و صلوات جلال

اما فرموده به خدا این عمل صحیح است  
 اما فرموده به خدا این عمل صحیح است  
 اما فرموده به خدا این عمل صحیح است

آن را انجام داده باشم  
 آن را انجام داده باشم  
 آن را انجام داده باشم

بطلان می شود  
 بطلان می شود  
 بطلان می شود

ما ندرستیم مصداق است  
 ما ندرستیم مصداق است  
 ما ندرستیم مصداق است

اما فرموده آنرا با ای بر نفس را  
 اما فرموده آنرا با ای بر نفس را  
 اما فرموده آنرا با ای بر نفس را

و اگر بعد از این عمل با عین خود  
 و اگر بعد از این عمل با عین خود  
 و اگر بعد از این عمل با عین خود